

# کانون

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

اخبار داخلی - شماره ۵ (دوره هفتم)

مردادماه ۱۳۵۳

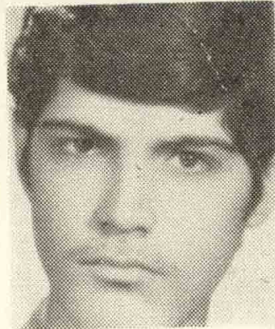




# چند خبر...

## گایه‌ها

## يك ه و فقيت



بسیاری از پدران و مادران، گله کرده‌اند که چرا برنامه‌های فستیوال تابستانی کانون در پارک نیاوران برگزار می‌شود، چونکه راه اغلب آنها - بخصوص ساکنان جنوب شهر - دورست و وسیله نقلیه هم به دشواری یافت می‌شود.

### کارنامه کانون:

البته از این جهت حق با پدرها و مادرهاست؛ اما در شرایط موجود، آمفی تاتر پارک نیاوران تنها جای مناسب برای برگزاری فستیوال تابستانی است. کانون برای حل اساسی این مشکل، دست در کار اجرای طرح تاتر و سینمای کودکان جنب پارک فرح است. طرح‌های دیگری هم مورد بررسی است تا در مراکز دیگری هم امکان برگزاری این فستیوال فراهم شود. بدیهی است که اجرای این طرح‌ها نیاز به زمان دارد.

\* \* \*

باز هم در روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها، گاه گدار، از گرانی کتابهای کودکان گله می‌شود؛ و حتی بعضی از گرانی کتابهای کانون گله دارند!

کانون تنها سازمان غیر انتفاعی است که کتابهای ویژه‌ی کودکان و نوجوانان را در تیراژهای وسیع و با قیمت ارزانتر از موارد مشابه تولید و نشر می‌کند - از جمله مجموعه‌ی کتابهای نفیس ارزان قیمت که در تیراژ ۳۰۰۰۰ و با قیمت ۲۵ ریال منتشر می‌شود.

گرچه کانون مسئول کارناشوران دیگر نیست، اما باید توجه داشت که قیمت کاغذ و چاپ نسبت به سال‌های گذشته بسیار ترقی کرده است و بدیهی است که این ترقی قیمت بر بهای کتابها اثر می‌گذارد.

کانون به سهم خود می‌کوشد تا با خرید کتابهای مناسب کودکان، هم تیراژ اینگونه کتابها را بالا ببرد تا در کاهش بهای کتاب اثر بگذارد، و هم این کتابها را از طریق کتابخانه‌های کودک، برایگان در اختیار کودکان و نوجوانان قرار دهد. در این باب به تفصیل سخن خواهیم گفت و صاحب نظران را به شرکت در این بحث و طرح پیشنهادهای سودمند دعوت می‌کنیم.

## نویدی در جشنواره‌ی فیلمسازان جوان

کودکان و نوجوانان عضو کتابخانه‌های کانون، فیلم‌هایی را که خود ساخته‌اند در برنامه‌ی جنبی «دومین جشنواره‌ی فیلمسازان جوان منطقه‌ی آسیا-شیراز» شرکت داده‌اند، ضمناً چند فیلم تهیه شده در مرکز سینمایی کانون نیز در این جشنواره شرکت داده شد. آقای «چارلز موسس» دبیرکل اتحادیه رادیو - تلویزیون کشورهای آسیا معتقد است که تا دهسال دیگر، سینما و تله‌ویزیون ایران از گروه ورزیده‌ی فیلمسازان خلاق بهره‌ور خواهد شد و این امید را کودکان و نوجوانان عضو کتابخانه‌های کانون - با فیلم‌هاشان - نوید می‌دهند.

فیلم‌های «سکه» و «ختنه» ساخته شده توسط کودکان عضو کتابخانه‌های کانون نمایش داده شده در برنامه‌ی جنبی جشنواره فیلمسازان جوان منطقه آسیا، برنده شناخته شدند و جوایزی به آنها تعلق گرفت. داوران این فیلم‌ها را از فیلمهای شرکت داده شده در مسابقه بهتر تشخیص دادند و چون در اساننامه در مورد اهدای جایزه به فیلمهای مسابقه تاکید نشده بود این فیلمها برنده شناخته شدند. سناریست و کارگردان سکه فواد فرمند پور عضو کتابخانه‌ی مرکزی است.

فرهمند پور متولد سال ۱۳۳۶ است. کارگردان فیلم ختنه ناصر سنبلستانی است و سناریست آن جعفر صافی. ناصر سنبلستانی متولد سال ۱۳۳۷ و عضو کتابخانه‌ی شماره ۴ تهران است.

## يك ابتكار

از ابتکارات جالب کانون، اهدای کتابهایی که با صحافی مجدد کاملاً قابل استفاده است به مراکز فرهنگی، از جمله لژیون خدمتگزاران بشرست، تا این کتابها را به نقاط دورستی که کانون هنوز کتابخانه تاسیس نکرده است بفرستند. به این ترتیب هم از هدر رفتن يك کالای با ارزش فرهنگی جلوگیری می‌شود و هم اقدامی سریع برای نقاط دور دستی که هنوز از خدمات فرهنگی کانون برخوردار نیستند انجام می‌گیرد.

## فیلمسازی کودکان و نوجوانان

### در شهرستانها

مرکز آموزش فیلمسازی کانون، در سال جاری برنامه‌های آموزش فیلمسازی را در کتابخانه‌های کودک شهرستانهای همدان، کرمانشاه، اصفهان، نجف‌آباد، شیراز، اهواز، آبادان، مشهد، رضائیه، تبریز، کرمان، زشت، آمل، بابل، چالوس، سمنان، قم و... گسترش می‌دهد. این مرکز دست در کار تدارک مقدمات کارست.



## نمایشگاه نقاشی

رشد و آموزش کودک به نمایش گذاشته‌اند سپاسگزار است.

کودکانی که به صفحه‌های این تقویم زندگی بخشیده‌اند - به رغم آنکه آفریده‌ی بینش‌های جداگانه‌ی هنرمندانی از شش قاره‌اند - در چیزی خاص و چه مشترک دارند، و آن تجربه‌های آموزشی دوران کودکی است. کودکان - چه در مدرسه، به هنگام بازی با دوستانشان، در آغوش گرم خانواده و چه تنها در تصورات خویش - در جهانی زندگی می‌کنند که هر لحظه با کشف تازه‌یی از نو خلق می‌شود.

ما می‌دانیم که کودکان با واکنش نشان دادن در برابر جهان پیرامون خود، نه تنها در شکل دادن به سرنوشت خویش، بلکه در تعیین آینده‌ی جهان نیز شرکت می‌کنند. این نکته در مورد کسانی که از بخت شرایط مساعد برای زندگی سالم و پر بار برخوردارند، و همچنین در مورد میلیون‌ها کودکی که از فقر، بیماری و جهل نصیب زیادی برده‌اند، صدق می‌کند. یونیسف علاقه دارد که چشم‌انداز زندگی کودکان کشورهای در حال توسعه آسیا، آفریقا، خاورمیانه و آمریکای لاتین را بهبود بخشد. کسانی که کارت‌های تبریک و تقویم‌های ما را می‌خرند از هدف زندگی بخش و پر دامنه‌ی یونیسف، که کمک به رشد سالم این کودکان است، حمایت می‌کنند. از شما سپاسگزاریم که به این کودکان کمک می‌کنید تا دریابند که آینده‌ی آنها، و آینده‌ی ما، می‌تواند امید بخش باشد.

## شرکت کانون در هفته‌ی ایران

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در «هفته‌ی ایران» که از ۲۱ آبان در شهرهای هامبورگ و مونیخ و کلن و بن (آلمان) برگزار می‌شود - شرکت می‌کند.

در نمایشگاه هفته‌ی ایران، کانون مجموعه‌یی از فعالیت‌های فرهنگی و هنری خود را معرفی می‌کند. در هفته‌ی ایران سازمان‌های فرهنگی دیگر ایران نیز شرکت دارند.

## سمینار

پنجمین سمینار سالانه کتابداران کتابخانه‌های کودک شهرستانها از ۳۱ مرداد ماه تا ۶ شهریور ماه در اصفهان تشکیل می‌شود. مطابق برنامه سمینار را مدیریت عامل کانون افتتاح می‌فرمایند و برنامه‌های سمینار توسط مسئولان انجام خواهد شد. این نخستین بار است که سمینار سالانه کتابداران شهرستانها در یکی از شهرستانها برگزار می‌شود.

به ابتکار مرکز آموزش نقاشی کانون نمایشگاه باشکوهی از آثار کودکان و نوجوانان عضو کتابخانه‌های شماره ۳، ۵ - ۱۰ - ۱۵ در محل کتابخانه‌ی شماره ۳، خیابان کاشان برپا شد. در این نمایشگاه که به مدت یک ماه دایر است قریب ۱۲۰۰ اثر به نمایش گذاشته شده است. روی جلد این شماره کارنامه یکی از این آثار است.

## کودک هنرمند

یک کودک ۸ ساله کشور «پرو» و یک کودک ۱۲ ساله لهستان جایزه اول مسابقه جهانی نقاشی «یونیسف» (صندوق بین‌المللی کمک به کودکان جهان سازمان ملل) را دریافت کردند.

کودک اهل پرو بر اساس این جایزه سفری به نیویورک خواهد داشت و کودک لهستانی به گردش در هند خواهد رفت.

جوایز دیگر شامل سفر، به ژنو به یک کودک بلغاری و سفر به نیس به یک کودک فنلاندی تعلق گرفت. این کودکان جزو بیش از ۶۰ کودک هنرمند هستند که نقاشی‌های آنها توسط یک هیئت داوری بین‌المللی جایزه دریافت کرده است.

در این مسابقه ۶۰۰ تابلو از کودکان سراسر جهان شرکت داده شد.



## تقویم یونیسف

در تقویم سالانه‌ی یونیسف که تصویرهایی از نقاشان سراسر جهان آنرا زینت بخشیده صفحه‌یی نیز به نقاشی «کتاب گمشده لپ دریا» اثر زمان زمانی از انتشارات کانون، اختصاص داده شده است. در مقدمه این تقویم چنین آمده است:

«۴۵ اثر هنری زیبایی که یونیسف برای مصور کردن تقویم خود برگزیده، تجربه‌های پر بار سالهای رشد و شکل گرفتن کودک را نشان می‌دهند. این آثار از گرمی، طنز و بینش عمیق برخوردارند. یونیسف آموزه‌ها، مجموعه‌داران خصوصی و هنرمندان برجسته‌یی که در اینجا همراه با مناظرهای گوناگون خود را درباره‌ی دوران



# مجموعه‌یی از قصه‌های مردم جهان



از تاریخ ۲۹ خرداد تا ۳ تیرماه ۵۲  
دومین اجلاس هیئتی برنامه‌ی همکاری‌های  
انتشاراتی آسیا، به دعوت مرکز  
آسیایی یونسکو (ACCU) و مرکز  
توسعه‌ی کتاب توکیو (TBDC) در  
توکیو برگزار شد.

در این اجلاس هیئتی نمایندگان ۱۸  
کشور آسیایی: افغانستان، بنگلادش،  
برمه، هند، اندونزی، ایران، ژاپن،  
کامبوج، کره، لاوس، مالزی، نپال،  
پاکستان، فیلیپین، سنگاپور، سیر-  
لانکا، تایلند و ویتنام شرکت داشتند  
و همچنین مدیر بخش تبادل اطلاعات  
و توسعه‌ی کتاب مرکز یونسکو و  
مدیر مرکز یونسکو کراچی و چندین  
ناظر از کشور ژاپن و فرانسه و  
انگلیس.

برنامه‌ی کار این اجلاس، گزارش  
کار و مشکلات تهیه‌ی نخستین  
«مجموعه داستان‌های مردم آسیا»  
بود که تدارک تهیه‌ی مقدمات آن  
برنامه اجلاس هیئتی پیشین بود. و  
همچنین برنامه ریزی برای تهیه‌ی  
مجموعه‌های بعدی در سال‌های آینده.  
اجلاس هیئتی دوم با خوشامدگویی  
دکتر کاکاکی توراجیرو، رئیس مشترک  
مرکز آسیایی یونسکو و مرکز توسعه‌ی  
کتاب توکیو رسماً افتتاح شد و سپس  
نوبت سخنرانی: آقایان هیراتسوکا،  
رئیس کمیسیون ملی یونسکو ژاپن  
و آقای اتیو مدیر مرکز آسیایی یونسکو  
و مرکز توسعه‌ی کتاب توکیو رسید.

سپس آقای جولین برتستوک، مدیر  
بخش تبادل اطلاعات و توسعه‌ی کتاب  
مرکز یونسکو سخنرانی در زمینه  
حمایت کامل یونسکو از اجرای چنین  
برنامه‌هایی در نقاط مختلف جهان  
ایراد کرد و گفت که پس از موفقیت  
نخستین اجلاس هیئتی همکاری مشترک  
تهیه کتاب در آسیا، هم‌اکنون در  
امریکا لاتین و آفریقا نیز چنین  
برنامه‌ای در دست تهیه است و سپس

طرح مشکلات تهیه‌ی نخستین  
مجموعه، شامل، پیشنهاد برای  
مجموعه‌های بعدی و تاریخ چاپ  
مجموعه به زبان محلی بود.

مطابق برنامه‌ی اجلاس هیئتی نخستین،  
هر کشور داستانی را انتخاب کرده  
بود و همراه با ۶ نقاشی به ژاپن ارسال  
کرده بود که پس از بررسی‌های  
مقدماتی، که چندین ماه به طول  
انجامیده بود، کار برای تهیه‌ی  
نخستین چاپ آن به زبان انگلیسی  
در ژاپن آماده شده بود. که البته  
متأسفانه با همه‌ی کوشش‌ها به  
تاریخ افتتاح اجلاس هیئتی دوم نرسید و  
هنوز چاپ نهایی نیازمند یک ماه دیگر  
بود.

در برابر این همکاری قاره‌ای،  
مرکز یونسکو ژاپن متعهد شده است  
که بلافاصله پس از انتشار مجموعه‌ی  
انگلیسی، کلیه‌ی فیلم‌های تصاویر  
کتاب را مجاناً برای چاپ به زبان-  
های مختلف در اختیار کشورهای  
شرکت‌کننده در طرح بگذارد و به  
این ترتیب کمکی باشد برای پیشبرد  
ادبیات کودکان و تقلیل بهای تمام  
شده‌ی کتاب‌ها، که در شرایط کنونی  
بحران جهانی کاغذ، اقدام مفیدی است.

افزود که امیدوار است سمینار «بین-  
المللی ادبیات کودکان نیز که در بهار  
سال آینده در تهران برگزار می‌شود  
با بهره‌گیری از این تجربیات بتواند  
به موفقیت‌های بزرگی نائل شود.  
پس از سخنان نماینده‌ی مرکز  
یونسکو، نوبت گزارش خوانی  
نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در  
طرح تهیه‌ی کتاب، که قصه‌ها و نقاشی-  
های نخستین جلد را فراهم کرده  
بودند، رسید.

در این گزارش‌ها نمایندگان هر  
کشور، از مشکلات خود در تهیه‌ی  
داستان مناسب و نقاشی‌های آن سخن  
می‌گفتند و این که چگونه این کار،  
در بسیاری از کشورها، چندان به  
آسانی صورت نگرفته است و حتی  
در مواردی پس از ارسال داستان و  
نقاشی‌ها به ژاپن، کار به تکرار  
انجامیده است و یا خانم کیوکوما  
تسوئوکا، نماینده‌ی ژاپن، که در کار  
ادیت نهایی کلیه‌ی داستان‌ها نظارت  
داشت، به دلیل بلندی یک داستان، با  
اشکال فراوان مجبور به کوتاه کردن  
آن شده است.

گزارش نماینده‌ی هر کشور، پس از



نماینده‌ی ایران در این اجلاس به زمین‌های مشکلات تهیه‌ی متن یا نقاشی، با ملاحظه‌ی نقاشی‌ها و متن‌های تهیه شده توسط سایر کشورها چندان حرفی برای گفتن نداشت و تاریخ آغاز چاپ مجموعه‌ها را به زبان فارسی موقوف به دریافت فیلم‌های تصاویر می‌دانست، اما در زمینه‌ی پیشنهادها، پیشنهاد گسترش کار را داد و این که علاوه بر ادامه‌ی تهیه‌ی «مجموعه‌ی داستان‌های مردم» به مجموعه‌هایی نظیر زندگینامه‌های هنرمندان آسیا یا شخصیت‌هایی که در شکل گرفتن سرزمین‌ها و مردم این منطقه نقش عمده‌ای داشته‌اند توجه و همچنین تهیه‌ی مجموعه‌ای از جشن‌های ملی مردم این منطقه که با الهام از سنت‌ها و آئین‌ها، نقشی جالب و درخور توجه در زندگی مردم این قسمت از جهان دارند.

برنامه‌ی جلسات بعدی اجلاس به مذاکره در اطراف پیشنهادها، گوناگون نمایندگان کشورهای شرکت کننده و مشکلات اجرای هر کدام از آن‌ها بود که پس از مذاکرات فراوان

سرانجام این توافق حاصل شد که برنامه‌ی تهیه‌ی «داستان‌های مردم» ادامه یابد و علاوه بر آن مجموعه‌ای نیز از «جشن‌های ملی مردم آسیا» فراهم شود. که کانون برای این کتاب، تهیه‌ی «چهارشنبه سوری» را در نظر دارد که هم جشنی است ملی، با ریشه‌هایی ژرف در تاریخ و هم مراسمی است مورد توجه و ستایش کودکان.

علاوه بر این به پیشنهاد نماینده‌ی مرکز یونسکو، نماینده‌ی کانون در یکی از این جلسات پس از معرفی کوتاهی از فعالیت‌های کانون در زمینه‌ی تهیه‌ی کتاب و کتابخانه برای کودکان و نوجوانان، در شهرها و روستاهای ایران، به معرفی برنامه‌ی **کانون، با همکاری کمیسیون ملی یونسکو ایران** در برگزاری یک سمینار جهانی در زمینه‌ی «ادبیات کودکان در قلمرو خدمت به تفاهم بین‌المللی و همکاری‌های صلح‌آمیز جهانی» پرداخت و این که کانون در نظر دارد به عنوان برنامه‌ی کار این سمینار در اردیبهشت ماه ۵۴ به

تهیه‌ی «مجموعه‌ی از قصه‌های مردم جهان» در همین زمینه‌ی فکری پردازد و این مجموعه را، که احتمالاً شامل چندین جلد خواهد بود، توسط تصویرگران ایرانی، مصور کند و نخستین چاپ آن را به زبان فارسی فراهم آورد.

نماینده‌ی مرکز یونسکو، این پیشنهاد را بسیار مهم تلقی کرد و حمایت کامل مرکز جهانی یونسکو را در تحقق این امر ضروری و تضمین شده اعلام کرد.

این اجلاس به چند پیشنهاد مهم دیگر، از جمله پیشنهاد نمایندگان ژاپن و سنگاپور در مورد بررسی امکان ایجاد یک جایزه‌ی دوسالانه نقاشی برای کتاب‌های کودکان آسیا و همچنین پیشنهاد نماینده‌ی کانون در مورد اعطای متن و فیلم‌های کتاب، «مهمان‌های ناخوانده»، بی‌هیچ قید و شرطی برای چاپ به زبان‌های مردم آسیا، به کار خود پایان داد.

### سیروس طاهباز

## کتابخانه‌های شهرستان

تعطیلات تابستان و فراغت اعضاء کتابخانه‌ها موجب شد تا در این ماه برنامه‌های بیشتری اجرا شود و بازدید از مراکز مختلف نیز بیشتر صورت پذیرد. همکاری سازمانهائی نظیر رادیو تلویزیون، فرهنگ و هنر یا کتابخانه‌های کودک شهرستان‌ها بیشتر می‌شود و می‌توان این همکاری‌ها را نوید روزهای بهتری برای کتابخانه دانست.

### خرم‌آباد

با همکاری اداره فرهنگ و هنر خرم‌آباد دو فیلم از گروه سینمای آزاد، بنامهای «فیلم دوم» و «بلوط» نشان داده شد که با توجه فراوان اعضاء روبرو گردید.

در کتابخانه همدان نیز از طرف فرهنگ و هنر فیلم «دل موش و پوست پلنگ» نمایش داده شد.

### خوی

در برنامه بحث آزاد این کتابخانه ابتدا فیلمی درباره‌ی خطرات ناشی از اعتیاد نمایش داده شد و سپس بحث در مورد مضرات اعتیاد آغاز شد. بنظر میرسد این کار از نظر تأثیر نتیجه بخش‌تر بوده و تنوعی به اجرای برنامه فوق بخشید.





مرکز تلویزیون کرمانشاه همکاری نزدیکی با کتابخانه دارد و اخیراً برنامه‌های این کتابخانه وسیله تلویزیون کرمانشاه ضبط گردید. همچنین ۳۵ نفر از اعضای کتابخانه کودک کرمانشاه از کارخانه برق منطقه‌ای غرب بازدید کردند.

تبریز

اعضاء کتابخانه کودک این شهر از کارخانه کبریت - سازی توکلی بازدید کردند و گزارش این بازدید وسیله یکی از اعضای «آقای اسدوردی» تهیه و به کانون فرستاده شد.

چالوس

با کمک و همکاری اداره منابع طبیعی چالوس برنامه‌ای ترتیب داده شد تا عده‌ای از اعضای کتابخانه روزی را در میان زیبائیهای جنگلی سی‌سنگام بگذرانند و با برنامه درختکاری این اداره نیز آشنا شوند. همچنین اعضای این کتابخانه بازدید آموزنده‌ای از کارخانه چای کلار آباد داشتند.

اصفهان شماره یک

فعالیت‌های پربراری در این ماه داشته است بازدید از سازمان تربیتی دختران رضاپهلوی و همراه آن نمایش فیلم موسبیلو و اجرای نمایشنامه «توکائی در قفس» این برنامه‌ها موجب شد تا دختران عضو سازمان تربیتی بیشتر به عضویت در کتابخانه راغب شوند که پس از توضیحات لازم در مورد شرایط عضویت در کتابخانه - های کانون تعدادی کارت عضویت در اختیار آنان قرار داده شد و نیز این ماه اعضای کتابخانه از کارخانجات بافندگی شهر اصفهان بازدید داشتند.



نقاشی «پرش با اسب» از محمدعلی صدایقی عضو کتابخانه‌ی کودک مشهد

از کارهای خوب و ابتکاری این کتابخانه استفاده از قصه‌های اعضاء سایر کتابخانه‌های کودک در نشریات ماهانه است. «این قصه‌ها در کارنامه چاپ شده است». غیر از آنچه که ذکر شد کوشش‌هایی توسط سایر همکاران بعمل آمد که مجال شرح همه آن نیست. بیشتر کتابخانه‌ها برنامه «کتاب در تابستان» موضوع بحث و گفتگو قرار داده‌اند که امید است نتایج درخشان آن در پرسشنامه‌ها مشاهده گردد.

در این فرصت به کار پنجمین سمینار کتابداران کتابخانه‌های شهرستان‌ها پردازیم. کانون از سالها قبل برای کتابداران خود فرصتی بوجود آورد تا از شهرهای مختلف کشور سالی یکبار گرد هم آیند و به بررسی و نظرخواهی درباره مشکلات و پیشنهادات خود پردازند و نیز مسئولان کانون را در جریان کمبودها و نارسائی‌های موجود قرار دهند. پنجمین گروه‌هایی از این نوع از ۳۱ مرداد ماه تا ۶ شهریور در اصفهان تشکیل میشود. این نخستین باری است که شهری غیر از تهران برای این منظور انتخاب میگردد. در اجرای این خواسته و با پی‌گیری سرپرستی کانون در منطقه اصفهان دانشگاه اصفهان همکاری خود را با کانون اعلام داشته بطوریکه خوابگاه دانشجویان خود را برای اقامت کتابداران و سالن دانشکده علوم تربیتی را جهت تشکیل جلسات سمینار در اختیار کانون قرار داده است. سمینار توسط مقام مدیریت عامل گشایش می‌یابد و طی جلسات گوناگون مسئولین قسمت‌های مختلف کانون که در ارتباط با کار کتابخانه‌ها هستند توضیحاتی در مورد کار و برنامه‌های خود خواهند داد و از طرف گروه آموزشی نیز جلسات ویژه‌ای ترتیب داده خواهد شد. و نیز نشست‌های متعددی بین کتابداران و سرپرستان و بازرسان کتابخانه‌های شهرستان خواهد بود. و کتابداران اصفهان نیز در کتابخانه‌های خود میزبان همکاران شهرستانی خود خواهند بود. مسئولین سمینار از اهمیت تاریخی و صنعتی اصفهان غافل نبوده و با مذاکراتی که صورت گرفته است. طی این مدت همه کتابداران از صنایع ذوب آهن و آثار تاریخی این شهر بازدید خواهند نمود. تا گذشته از طرح مشکلات و آموزش‌های لازم، ارمغانی از دانستنی‌های تازه به شهر - های خود ببرند.

\* \* \*

بمناسبت سالروز درگذشت اعلیحضرت رضاشاه کبیر، برنامه‌هایی در کتابخانه‌های شهرستان بموقع اجرا گذارده شد. رئوس مطالب و برنامه‌های اجرا شده از اینقرار بوده است:



راه آهن سراسری، کشف حجاب، تاسیس دانشگاه تهران، تربیت معلم، تاسیس دانشسرای عالی و مقدماتی، توجه به کشاورزی و صنعت و ایجاد نظام فرهنگ نوین سخن رفته است.

۳- علاوه بر تهیه نشریه و مباحث، فیلم‌هایی نمایش داده شد، و برخی کتابخانه‌ها نیز تا حد امکان عکس‌هایی تهیه و نمایشگاه عکس برپا کرده‌اند.

۱- معرفی شخصیت: در این قسمت مطالبی در زمینه تولد، کودکی، زادگاه نشیب و فرازهای زندگی، اقدامات و تغییرات و تحولاتی که در زمان سلطنت معظم له رخ داده سخن رفته است.

۲- اقدامات اجتماعی، خدمات، بازسازی و نوسازی جامعه توسط اعلیحضرت فقید: علاوه بر نشریاتی که در مورد اقدامات اجتماعی تهیه شد، بحث‌هایی نیز در این زمینه صورت گرفته است. در این قسمت از احداث

## اولین کتابخانه کودک سیار شهری در شهرستانها



کتابخانه کودک سیار شهر زاهدان کار خود را آغاز کرده است. در حال حاضر بعثت تعطیل تابستان مدارس این کتابخانه به ۱۷ مرکز در زاهدان کتاب می‌رساند. نتیجه کوششهای مسئول کتابخانه زاهدان و کتاب‌رسان کتابخانه سیار، در ظرف ۲۰ روز جلب ۵۱۹ نفر عضو، تعداد ۱۷۷۵ جلد کتاب برده شد، ۲۰۴۰ نفر مطالعه‌کننده و ۳۸۱۵ نفر مراجع بوده است. برای مراکزی که کتابخانه سیار مراجعه می‌کند، برنامه‌هایی چون: داستان‌سرایی، نمایش فیلم و فیلم‌استریپ، شعر-خوانی و بحث آزاد با اجرا درآمده است.

# کتابخانه‌های تهران

۱۵ تیر - ۱۵ مرداد ۱۳۵۳

ادامه دهند. تا آنجا که بیادمن مانده است در کتابخانه‌ی شماره ۳ خانم حقوردی، به تنهایی و گاه با کمک دیگران کتابخانه را اداره کرد و اگر بیاد بیاوریم که کتابخانه‌ی شماره ۳ یکی از بزرگترین و پر مراجعه‌ترین کتابخانه‌ها است به اهمیت ارزش کارهمکاران بیشتر پی می‌بریم.

مسئله کمبود کتابدار که با تقاضای مرخصی تابستان همکارانمان مصادف بود و بیکاری کودکان و نوجوانان که پناهی جز کتابخانه‌های کانون ندارند، کار تابستان امسال را از ارشهای کیفی نیمی تهی کرده است. از چند کتابخانه که بگذریم، کوشش همکاران بعد از ظهر کار ما، فقط صرف این می‌شد که کتاب بدهند و کتاب بگیرند و کمتر فرصتی برای کارهای دیگر پیدا می‌کردند.

از اینها که بگذریم، دیگر مسئله کمبود کتابدار حل شده است، چون کلاس آموزش به پایان رسید و ضمناً تعطیل دو کتابخانه هم برای کارهای ساختمانی تعطیل شد که کتابداران آنها، مورد استفاده‌ی کتابخانه-

تابستان امسال مثل هر سال کتابخانه‌ها شلوغ بود و هست. بچه‌های فارغ از درس و مدرسه، به کتابخانه می‌آیند که کتاب بخوانند، و یا در کلاسهای موسیقی، فیلمسازی، نقاشی و تئاتر آموزش بگیرند. هر سال نیرویی که در تابستان برای پاسخگویی به مراجعه‌کنندگان بسیج می‌کردیم، می‌توانست جوابگوی احتیاجات باشد، اگر چه که فصل تابستان بود و همکاران کتابدار ما، می‌بایست خستگی یکساله را هم با استفاده‌ی از مرخصی از تن بدر کنند.

ولی امسال، با تمام اینکه مراجعه‌کنندگان مثل هر سال زیاد و شاید بیشتر هم بود، ولی کتابداران تهران، بطور کامل در اختیار کتابخانه‌هایشان نبودند و در کلاسهای کارورزی شرکت جسته بودند.

کاستی بیش از ۲۵ کتابدار از بعد از ظهر کاران، می‌توانست کار را بهم بریزد و گاه هم اینطور شد ولی در بیشتر موارد کتابدارانی که در کتابخانه مانده بودند، با روی گشاده و با حوصله و صرف انرژی زیاد، توانستند جای همکارانشان را پر کنند و کار را



کتابهای معرفی شده خوب است. و نکته جالب‌تر همکاری اعضای گروه نشریه است که نشریه‌ی «باهم» را مرتب تهیه می‌کنند.  
**کتابخانه‌ی شماره ۳**



در این ماه در کتابخانه‌ی شماره ۳ کتابهای کورغلی و کچل حمزه از صمد بهرنگی و چاق و لاغر از آنتوان چخوف داستانسرای شده است. در مورد معرفی شخصیت از اعلیحضرت رضا - شاه کبیر و اصلاحاتی که انجام داده‌اند یاد شده است. همزمان با معرفی این شخصیت، آبراهام لینکلن هم به بچه‌ها شاسانده شده است. دیگر آنکه افکار و عقاید ایبسن و برتراند راسل هم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با استفاده از کتاب فرهنگ سیاسی بچه‌ها توانسته‌اند با بعضی از مکاتب و اصطلاحات و احزاب آشنا شوند. بحثی هم در مورد کتاب بازآفرینی واقعیت در این کتابخانه داشته‌اند. در ضمن این نکته قابل ذکر است که تعداد مراجعه‌کننده به این کتابخانه در ماه جاری بیشتر از ماه قبل است و حدود ۱۱۹۷۸ نفر می‌باشد.

#### کتابخانه‌ی شماره ۴

معرفی رضا شاه کبیر، رنه کلر، لویی پاستور و کتابهای موبی‌دیک، امریکا امریکا و سرزمین کردستان (به مناسبت هفته‌ی کردستان) از کارهای این ماه کتابخانه‌ی است. همچنین یک جلسه بحث آزاد در مورد سالروز حاکمیت مطلق ایران برنفت و یک جلسه برنامه‌ی شعرخوانی از کتاب ابراهیم در آتش، داشته‌اند.

از جمله کارهای جالبی که انجام شده، ایجاد همکاری بیشتر اعضای کتابخانه است، که نمونه‌ی آن معرفی حضرت علی (ع) و خصوصیات اخلاقی ایشان و معرفی آبراهام لینکلن است که بصورت شفاهی توسط چند عضو کتابخانه انجام شده است.

البته کتابداران در این موارد مراقبت کامل در اجرا و استفاده از منابع و گوشزد کردن نواقص کار،

های دیگر قرار میگیرند. به بررسی گزارشهای کتابخانه‌های تهران می‌پردازیم که مربوط است به فعالیت‌هایی که از ۱۵ تیر تا ۱۵ مرداد داشته‌اند.

#### کتابخانه‌ی پارك فرح

مثل هر سال کتابخانه‌ی مرکزی با هجوم تابستانی اعضاء روبرو بوده است، که ۲۱ هزار جلد کتاب برده شده و ۸۱۳ عضو جدید می‌تواند، موید این ادعا باشد. معرفی گوگول، نهر و کتابهای زندگی گالیله، دماغ، تصویر، یک جلسه شعرخوانی، چند داستانسرای و گفتگویی به مناسبت سالگرد نهضت مشروطه و چند کتاب دیگر، از برنامه‌های خوب این ماه کتابخانه‌ی پارك فرح و کتابخانه‌های تهران بوده است.

#### کتابخانه‌ی شماره یک

در ماه گذشته این کتابخانه هم مثل بعضی از کتابخانه‌ها، بعلت تشکیل کلاس آموزش و مسایل دیگر دچار مشکل کمبود کتابدار بود، و نتوانست کاری در خور توجه نشان دهد.

معرفی ژول ورن و سرزمین اطریش از برنامه‌های ماه گذشته بوده است.

نشریه‌ای بنام رنگارنگ توسط اعضاء تهیه شده که این مطالب در آن به چشم می‌خورد: چگونه می‌شنویم، درسی از خدانشناسی، شهاب گروه‌های خون، آسانسور چگونه کار می‌کند، عجایب هفتگانه که نسبتا کار خوبیست.

#### کتابخانه‌ی شماره ۲

داخل کتابخانه‌ی شماره ۲، برخلاف خارجش، از بچه‌ها خالی است. اینقدر که بچه‌ها برای فوتبال جوش می‌زنند، یکمزارش را برای کتاب و کتابخانه ندارند.

کتابداران کتابخانه، درگیر با مسایلی کوچک، کارها و وظایف مهم یک کتابدار را فراموش کرده‌اند، شك نیست که نوشتن صحافی و اوراقی، کارت - یادآوری و دادن و گرفتن کتاب، از وظایف کتابدار است ولی آیا تمام وظایف کتابداران همین است؟ از کتابخانه و از پشت میزتان خارج بشوید، بچه‌هایی که در کوچه دور هم جمع شده‌اند و سرگردانی و بی‌هدفی را دنبال می‌کنند، بشما احتیاج دارند. شما هستید که باید آنان را به کتابخانه بیاورید، هرچند که گاه در این راه اذیت و آزاری هم بشما برسد.

برنامه‌هایی که در گزارش ماهانه ذکر کرده‌اید، مثل داستانسرای، بدون توضیح است و دوبار آن که دیده شده، چندان صحیح اجرا نمی‌شده است که در این مورد می‌توانید از فصلنامه کمک بگیرید. از معرفی شهریار بی‌اطلاع هستیم معرفی گورکی، و



خواهند داشت.

لازم به تذکر است که دوتن از کتابداران خانمهای انصاری و امینزاده در ایجاد این همکاری پیشقدم بوده‌اند.

### کتابخانه‌ی شماره ۵

معرفی سید جمال‌الدین اسدآبادی، میگل آنجل آستوریاس، آنتوان چخوف، داریوش عبادالهی، نیوتن و کتابهای «تاریخ دنیای قدیم» و «پیش از آدم» از سری برنامه‌های این ماه کتابخانه‌ی شماره ۵ بوده است.

ضمناً علاوه بر دو جلسه برنامه شعرخوانی بحثی داشته‌اند درباره‌ی استعداد که آنچه برای ما نوشته‌اند نمودار آگاهی و تسلط اجراکننده‌ی بحث بوده است. اما متأسفانه تعداد ۴۵ نفر عضو جدید و ۱۵۸۷ کتاب برده شده نمودار عدم توجه کتابداران به میزان کتابخوانی اعضا و کشاندن بچه‌های کوی نهم آبان به کتابخانه است که امیدواریم جبران کنند.

### کتابخانه‌ی شماره ۶

برنامه‌هایی که ماه گذشته در کتابخانه‌ی شماره ۶ اجرا شده، همه در سطح خوبی بوده است، در این سری می‌توان از معرفی هیوز، گورگی، طالبوف نام برد و همینطور برنامه‌های معرفی کتاب را ذکر کرد. در معرفی بلوچستان، تنها به معرفی شفاهی اکتفا شده که احتیاج به معرفی دیواری هم دارد.

### کتابخانه‌ی شماره ۷

در ماه گذشته این کتابخانه از نظر برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها و هماهنگی وضع خوبی داشته‌است. بعنوان مثال از دو کتاب به نامهای گردآفرید و پهلوان پهلوانان داستانسرایی شده است که هر دو جزء کتابهای حماسی بشمار می‌آیند.

در مورد معرفی شخصیت از حیدر عمو اوغلی نام برده شده است، که از آزادیخواهان دوره‌ی مشروطه بوده است. این برنامه در تاریخ ۲۵ ر ۵۳ تهیه شده که فاصله زیادی تا ۱۴ مرداد ماه که سالروز جشن مشروطیت بوده، ندارد. این نشان دهنده‌ی یک هماهنگی و پیش‌بینی در کار است و کتابداران در این فکر بوده‌اند که قبل از جشن مشروطیت در ذهن‌اعضاء آگاهی کاملی بوجود آورند.

معرفی سرزمین از آفریقای جنوبی بوده است و بحث آزادی داشته‌اند که موضوع آن مشکلات جوانان در ارتباط با یکدیگر بوده است و یکی از اعضا با تجربیاتی که در این راه گسب کرده بوده، اعضا دیگر را هم در تجربیاتش سهیم کرده است.

در نشریه‌ای که بنام اخگر شماره ۶ در این کتابخانه تهیه شده، در مورد «مهر گنجینه» برای بچه‌ها

توضیح داده‌اند. بدون شك این مسئله بسیار مهم است بدلیل آنکه اکثر بچه‌ها هنوز نمی‌دانند که چرا کتابی «مهر گنجینه» دارد.

تعداد مراجعه‌کنندگان در ماه گذشته ۶۴۳۰ نفر و در ماه جاری ۴۹۵۳ نفر در این کتابخانه بوده‌است.

### کتابخانه‌ی شماره ۸

در فعالیت و برنامه‌های کتابداران شماره ۸ همیشه رگه‌های سالم و درخشان بچشم می‌خورد و کار کتابخانه در سطح بالا قرار دارد.

برنامه‌های این ماه کتابخانه نیز مثل همیشه آگاهانه و درخشان است. جک‌لندن، رضا شاه کبیر، برتولت برشت و کتابهای اربابها، داستانهای آقایی کوینر، پول و اقتصاد، انسان در گذرگاه تاریخ، چگونه انسان غول شد، را معرفی کرده‌اند و دو جلسه بحث داشته‌اند درباره‌ی «هدف ادبیات» و «استفاده‌ی صحیح از کتاب و انشاءنویسی» که فوق‌العاده آموزنده است. از کارهای ابتکاری این کتابخانه می‌توان از نمایشگاهی از بریده جراید که مطالب آن در زمینه نقد و معرفی کتاب و مطالب دیگر است نام برد که کار ارزنده‌ای است.

### کتابخانه‌ی شماره ۹

بازدیدهای مکرر این ماه از کتابخانه‌ی شماره ۹، نشان دهنده‌ی پیشرفت در کارهای کتابخانه است ولی این پیشرفت چندان سریع نیست، علتش هم روشن است، حسن نیت و دقت در کارها حاکم نیست و بچه‌ها هم کمتر در کارها شرکت دارند.

بیست و چهار هزار مراجعه‌کننده، فقط یک نشریه تهیه می‌کنند و در کارهای دیگر اشتراکی ندارند، دفترهای کتابخانه همچنان نامنظم است، در مقابل برنامه‌های خوب کتابخانه را مثل معرفی چخوف، جک‌لندن، مورس، سرزمین آلمان و معرفی کتابهای شور زندگی، بانو و سگ ملوس، و آی با کلاه و آی بی کلاه را نباید فراموش کرد.

### کتابخانه شماره ۱۰

معرفی فتحعلی‌خان صبا، رومن‌گاری، رومن‌رولان، رضاشاه کبیر، ابونصر فارابی و ۹ جلسه داستانسرایی، دو جلسه برنامه‌ی شعرخوانی و بحث درباره‌ی تاثیر سینما در جامعه‌ی امروز، برنامه‌های این ماه کتابخانه‌ی شماره ۱۰ را تشکیل می‌دهد.

ستون برنامه‌های معرفی کتاب بکلی خالیست، و تعجب می‌کنم که چطور ۵ شخصیت را معرفی کرده‌اند اما نتوانسته‌اند حتی یک کتاب معرفی کنند.

ذکری هم باید از نشریه نسیم و مصورهای راز کلمه‌ها و بزی که گم شد، به میان آورد، که بطرز جالبی تهیه شده‌اند.



### کتابخانه‌ی شماره ۱۱

معرفی رضاشاه کبیر، داستایوسکی و کتابهای استپها، عاشق مترسک نظری به هنر نقاشی و معرفی کشور شوروی از سری برنامه‌های این ماه کتابخانه شماره ۱۱ است.

همچنین دو نشریه تهیه کرده‌اند بنامهای اندیشه و پدیده که متأسفانه هیچکدام از مقالات آن نشریه‌ها نوشته اعضای کتابخانه نیست و صرفاً از کتابها و مجلات مختلف رونویسی شده است.

### کتابخانه‌ی شماره ۱۲

معرفی شیلر، ایسن، محمص و کتابهای تاریخ هرودت، دشمن مردم، هملت، و معرفی کشور قبرس نشان دهنده توجه کتابداران به مسایل جهانی است. علاوه بر دو جلسه برنامه‌ی شعرخوانی، بحثی داشته‌اند درباره‌ی: «مواد مخدر و اعتیاد به آن» که جالب بوده است.

در برنامه‌ی داستانسرایی نیز از داستانهای بکری استفاده کرده‌اند که نمودار کاوش اجراکنندگان در کتابهای موجود در کتابخانه است.

### کتابخانه‌ی شماره ۱۳ (نیاوران)

کارهای کتابخانه، تحت‌تأثیر مسله‌ی کمبود کتابدار خیلی کم است و با دو معرفی شخصیت، دو کتاب و دو داستانسرایی برگزار شده است. البته شعرخوانی هم داشته‌اند و نکته‌ای مهم اینکه در آمار عضو جدید کتابخانه افزایش قابل توجهی نسبت به سابق دیده می‌شود.

اشاره‌ای داریم به این نکته که کتابداران نیاوران می‌بایست از فستیوال تابستانی حداکثر استفاده را می‌کردند تا بچه‌ها به کتابخانه جلب بشوند. و هنوز هم دیرنیست، چون اثرات فستیوال تابستانی تا مدت‌ها از میان نخواهد رفت.

### کتابخانه شماره ۱۴

دعوت از آقای متقالی هنرمند با ارزش کانون جالب‌ترین کاری است که کتابداران کتابخانه‌ی شماره ۱۴ در این ماه داشته‌اند و اگر بیاد بیاوریم که در گذشته هم کتابداران کتابخانه‌ی شماره ۱۴ مبتکر چنین برنامه‌هایی بوده‌اند، ارزش این کار بیشتر می‌شود. جلسه‌ی بحثی در اطراف کتاب بادکنک قرمز داشته‌اند و معرفی آخوندزاده و صادق چوبک هم به کارهای خوب ماه گذشته اضافه می‌شود.

اضافه می‌کنیم که با اینکه تعداد برنامه‌های اجرا شده کم است، ولی در سطح خوبی اجرا شده است.

### کتابخانه‌ی شماره ۱۵

انتظاری که مدت‌ها است کتابداران شماره ۱۵ برای نقل مکان دارند، ارزش کارهای آنها را کم کرده است.

اهم کارهای این کتابخانه در ماه گذشته معرفی لاپلاس و پروین اعتصامی است و در کنار این دو معرفی کتاب خوبی از چخوف بنام اسپها مورد معرفی قرار گرفته است.

نامهای موسولینی و مولیر هم در گزارش ذکر شده که کار دیواری نداشته و از نحوه‌ی اجرا و متن معرفی این دو شخصیت بهیچوجه اطلاعی نداریم، پس قابل قبول نیست.

فرهنگ نام نشریه‌ی است که توسط اعضای این کتابخانه تهیه شده و حاوی معرفی پروین اعتصامی قسمتی از شعرهای نیمایوشیچ و شعری بنام مادرزیک از اعضای کتابخانه است که این نشریه را البته روی دیوار ندیده‌ایم.

### کتابخانه‌ی شماره ۱۷

کتابداران کتابخانه شماره ۱۷ در این ماه ۹ کتاب را داستانسرایی کرده‌اند که در میان این کتابها، کتاب خوبی چون حقیقت و مرد دانا برای اعضای بزرگسال و کتاب گل‌اومد بهار اومد را برای اعضای کوچکتر از ده سال دیده می‌شود.

آنتوان چخوف و ویکتورهوگو شخصیت‌هایی بوده‌اند که معرفی شده‌اند. آنتوان چخوف را علاوه بر معرفی شفاهی بصورت دیواری هم تهیه و نصب کرده‌اند که شامل زندگی این نویسنده، سبک نویسندگی او همراه با معرفی کتابهایش بوده است. درباره‌ی ویکتورهوگو هم علاوه بر نکاتی که در بالا گفته شد، محیط زندگی و صفات شخصی و مقام اجتماعیش را هم که تأثیر زیادی بر روی آثارش داشته است ذکر کرده‌اند.

همزمان با معرفی ویکتورهوگو، کتاب معروف وی بنام بینوایان هم جزء کتابهای معرفی شده این ماه این کتابخانه است.

دیگر از کتابهای معرفی شده در این کتابخانه، کتابهای انسان در گذرگاه تاریخ و غارنشینان پیش از تاریخ را می‌توان نام برد که هر دو کتاب از نظر موضوع تقریباً بیکدیگر مربوط می‌باشند و این خود حائز اهمیت است که اگر هماهنگی در کارها وجود داشته باشد پیشرفت در هر زمینه‌ای سریعتر انجام خواهد گرفت. سرزمین بلژیک را معرفی کرده‌اند و نشریه‌ی هم داشته‌اند به اسم آژنگ و با مطالبی از کتاب هفته و مجله‌ی دانشمندان.

### کتابخانه‌ی شماره ۱۸

گزارشی که از کتابخانه‌ی شماره ۱۸ در دست است کامل نیست.

در مورد معرفی شخصیت از صبحی نام برده شده که بیشتر از دو خط، توضیحی نداده‌اند در مورد پیکاسو هم بیشتر از یک خط توضیحی داده نشده تا بتوان نظری در مورد آن داد. همینطور شخصیت دیگری بنام



میگل آنجل آستوریاس که آنهم به ترتیبی که در بالا گفته شد گزارشش نوشته شده است.

معرفی سرزمین نداشته‌اند و عنوان بحث کتاب آنها در مورد خرافات و اثر آن در اجتماع است. نشریه‌ی رنگارنگ شامل مطالبی است درباره‌ی گرداب، سازمان ملل متحد و معرفی شهر بابل و معرفی رومن گاری و آثارش. نشریه دیگری داشته‌اند با مطالبی در مورد پرشت و معرفی کتاب شهر طلا و سرب و مطالبی در مورد مه و اثرات آن.

### کتابخانه‌ی شماره ۱۹

کتابخانه‌ی شماره ۱۹، آخرین روزهای شکل فعلی‌اش را می‌گذراند. گزارش کتابخانه، حاکی از مراجعه ۲۱۳۷۷ نفر به کتابخانه است و اجرای برنامه‌هایی بوسیله‌ی کتابداران برای مراجعان. اما واقعیت اینست که کتابخانه‌ی شماره ۱۹ آن حالت شاخص بودن را از دست داده است. علتش هم روشن است. بعد از رفتن مسئول کتابخانه، همکاری کتابداران به صفر رسیده است و نهایتاً دو بدو و سه به سه همکاری دارند که بدتر است.

در انتظار تعویض شکل این کتابخانه هستیم و به امید اینکه در پایان شاهد تعویض این وضع و هیات در کتابداران هم باشیم.

### کتابخانه‌ی شماره ۲۰

کتابخانه‌ی راه‌آهن در این ماه دو معرفی شخصیت از علی‌اکبر دهخدا و میزاده عشقی داشته‌اند که معرفی اول جامع‌تر از دومی بوده است. در ضمن کتابهای چوبدستهای ورزیل و ماه در کسابلنامو می‌درخشد و خداحافظ گاری کوپر، معرفی شده که از نحوه‌ی معرفی دو کتاب اخیر اطلاع نداریم.

۷ برنامه داستانسرای و دو جلسه برنامه‌ی شعر-خوانی برنامه‌های دیگر این کتابخانه را تشکیل می‌دهند. با وجود اینکه اعضاء فعال و مستعدی در این کتابخانه وجود دارند، متأسفانه کارهایی که همکاری اعضاء را با کتابخانه نشان دهد کمتر بچشم می‌خورد.

### کتابخانه‌ی شماره ۲۱

کتابخانه‌ی شماره ۲۱ با اینکه از نظر مراجعه -کنندگان، و برنامه‌هایی که اجرا می‌شود و خلاصه ظاهر و باطن کتابخانه، کتابخانه‌ی خوبی است، از جنبه‌ی روابط کتابداران در وضع چندان درخشانی بسر نمی‌برد. در این مختصر هم فرصت این نیست که ببینیم مقصر کیست. این را باید در کتابخانه، و سر فرصت به بحث گذاشت تا مسئله روشن شود. ولی ایراد ما به جنبه‌های مربوط به مدیریت کتابخانه و عدم همکاری برخی از کتابداران است و تأسف در این است که اجازه داده می‌شود تا مستخدم کتابخانه هم در این

مسایل کوچک یا بزرگ دخالت کند.

انتظار داریم هرچه زودتر اشکالات کوچکی که وجود دارد، با راهنمایی بازرس کتابخانه حل شود و بخصوص به مستخدم اجازه‌ی دخالت در کارهای کتابخانه داده نشود. کارهای کتابخانه نسبتاً خوب است، تا آنجا که شاهد بوده‌ایم، معرفی نهرو و فروغ از ارزش بیشتری برخوردارند، و باید معرفی کتابهای نگاهی به تاریخ جهان، دشمنان و معرفی سرزمین ایتالیا، و دو برنامه‌ی شعرخوانی را هم اضافه کرد.

### کانون اصلاح و تربیت

معرفی کتاب زمین انسانها یکی از بهترین کارهای چند ماه اخیر کتابخانه است که در کنارش آنتوان سنت اگزوپری نویسنده‌ی کتاب را هم معرفی کرده‌اند در مقابل چند برنامه مجدداً بدون ماخذ و توضیح گزارش شده است.

### کتابخانه کرج

کیفیت کارهای این ماه کتابخانه‌ی کرج در سطح نسبتاً خوبی است. معرفی آستوریاس، گورکی، دولت-آبادی، اشتراوس، و کتاب نان و شراب که بصورت دیواری و نمایشگاهی است، از کارهای خوب این ماه بود و باید معرفی اتریش را هم اضافه کرد.

مراجعان کتابخانه کاهش یافته و همچنین تعداد عضو جدید که شاید دلایل کتابداران موجه باشد ولی ما آنها را به کوشش بیشتری در این زمینه دعوت می‌کنیم.

### کانون کارآموزی

معرفی رضاشاه کبیر و سرزمین برزیل، در کنار معرفی بهرنگی، کارهای تازه این ماه این کتابخانه است و دیگر اینکه فعالیت‌های کتابخانه در این ماه گسترش بیشتری نسبت به سابق داشته است، و اعضاء رغبت بیشتری به مراجعه‌ی به کتابخانه نشان داده‌اند.

## کار نامه

### کانون پرورش فکری کودکان

#### و نوجوانان

#### اخبار داخلی

شماره ۵ (دوره‌ی هفتم) مرداد ماه ۱۳۵۳

چاپخانه خوشه‌تلفن ۳۱۸۵۶۵

گراور سازی پاسارگاد تلفن ۳۹۱۲۱۸



# کتاب‌های کودک‌کان در مدرسه‌ی ابتدائی

## نوشته‌ی آئین رومه‌آس

می‌خواهم با شما درباره‌ی آنچه تحقق آن را به چشم خود دیده‌ام، با شروع از بچه‌های خیلی کوچک، سخن بگویم. من این سعادت را دارم که در دانشسرای مقدماتی «سنت‌اتین» با دو معلم دیگر مربوط به دوره‌ی مقدماتی کار می‌کنم که هر دو متکی به متدطبیعی خاصی در کار آموزشی قرائت هستند وابسته به طرز بیان خود بچه‌ها. بچه‌ها آنچه را که خود قادر به تولید آن هستند و معلم برای ایشان می‌نویسد می‌خوانند. بنابراین ارتباط بین‌زندگی و عالم عاطفی بچه و قرائت بسیار نزدیک و صمیمانه است. درباره‌ی اهمیت انتقال از نوشته به متن‌چاپی در این کلاسها نیز سخن خواهم گفت. چاپ فی‌نفسه به متنی که بچه تهیه کرده است اصالت خاصی می‌بخشد که خود بچه آن را مانند وجود کتاب، کتاب واقعی، کاملاً حس می‌کند. بچه می‌داند - چون معلم به آن اشاره می‌کند - که در کلاس او آلبومهای بدون شرح، نظیر آلبوم‌های «مدرسه‌ی اوقات فراغت» وجود دارد، مانند آلبوم «گلوله‌ی قرمز کوچولو» یا آلبوم «سیب و پروانه» که خودبچه به تنهایی یا با رفقاییش منظور و معنای تصاویر آنها را کشف می‌کند. این آلبومها ذوق بچه را بسیار زیاد پرورش می‌دهند و او را وامی‌دارند که آزدانه بیان مقصود کند، ذهنش به افسانه‌هایی برود که از صفحه‌ای به صفحه‌ای می‌دوند، خودنیز با تصویر ابداع کند، و بالاخره این هوس رادر او برمی‌انگیزند که خودش هم داستان دیگری به تنهایی یا دسته جمعی بیافریند.

همچنین ممکن است که در آن تحرك و هیجان باشد، هیجانی در

سطح کلاس. من به کتابهای کوچکی می‌اندیشم که در مدرسه‌ی ابتدایی برای ما گرانبها هستند، مانند دوره‌های منتشره از طرف موسسه OCDL که کتابهای دوره‌ی اول آنها با عنوان کلی «من به تنهایی می‌خوانم» و دوره‌ی دوم آنها با عنوان «من با لذت می‌خوانم» نامگذاری شده‌اند. اخیراً معلمین علی‌البدل که با من کار می‌کنند به فکر افتاده بودند که نمایشی با عروسک‌های خیمه شب بازی و به الگوی قهرمانان یکی از همین کتابهای کوچک موجود در کلاس دوره‌ی مقدماتی ترتیب بدهند. موضوع داستان زن جادوگری بود که با گربه‌ی خود به سفر می‌رفت. جادوگر با یک موشک حرکت می‌کرد، چون جادوی او قدرت سحر و جادویش را زایل کرده بود. جوانها عروسک‌هایی روی همین زمینه که اقتباس بسیار آزادی از موضوع اصلی بود پیش‌بینی کرده بودند و از کتاب جز به عنوان نقطه شروع استفاده نشده بود. معلم به ما گفت که در بچه‌هایی که همگی از لحاظ کتابخوانی در سطح واحدی نبوده‌اند تمایلی به مراجعه به اصل کتاب احساس کرده است: بعضی از بچه‌ها قبلاً کتاب را خوانده بودند و بقیه در مرحله کارآموزی خود هنوز به آنجا نرسیده بودند. لیکن همه‌ایشان به کتاب اصلی مراجعه کردند تا آن را با نمایش مقایسه کنند و احساس شد که همین خود متضمن محرکی بسیار قوی برای تشویق به کتاب خواندن بوده است. اقدام عکس این نیز می‌تواند قابل تصور باشد: یعنی بچه‌هایی که با ماجرای کتاب آشنا هستند آن را با شرح حرکات

عروسک‌های خیمه‌شب بازی برای رفقای خود نقل کنند.

هم‌اکنون من راجع به آلبوم «گلوله‌ی کوچک قرمز» حرف می‌زدم. به ما ماموریت داده شده بود که این آلبوم را به مدرسه‌ای که در «سن خون» گشایش یافته بود ببریم و آن را به شکل عکس‌های «دیپوزتیف» به نمایش بگذاریم. و نیز فکر کرده بودند که موزیکی هم با این نمایش همراهی کند تا هادی فکر در انتقال از تصویری به تصویر دیگر باشد. یا بالعکس بدون همراهی موزیک نیز انتقال تصاویر امکان پذیر بود. شاگردان دانشسرای مقدماتی داستان «گل باقلا» را نیز که کتاب فوق‌العاده شاعرانه‌ی دیگری از همان ناشر بود برای نمایش آماده کرده بودند. ما این دو «مونتاز» را برای بچه‌های سال دوم که لابد ده ساله بودند به نمایش گذاشتیم. این کلاسی بود برخوردار از یک روح همکاری کامل که عادتاً هر چه در دل داشت صریح و بی‌پرده و حتی با جسارت خاصی بر زبان می‌آورد. باری بچه‌ها هیچ مجذوب نشدند و روی هم‌رفته گفته بودند: «این بچه‌های دانشسرای مقدماتی هیچ زحمت نکشیده‌اند. کتاب را داشتند و از روی آن عکس‌هایی برداشته‌اند، پس ابتکار در کجا است؟ قسمت‌هایی از موسیقی آماده داشتند که از پیش ساخته شده بود (لابد ساخته مطرب‌های استراسبورگی)...» ماهمینجامچشان را گرفتیم و گفتیم که اگر شما بهتر از این درست می‌کنید بفرمایید، این گوی و این میدان! آن وقت آنها آلبوم را گرفتند و برای بچه‌های کوچکتر اقتباسی کردند بر مبنای مثلاً تغییر و تبدیل یک شکل قرمز



به شکل‌های دیگر و به چیزهای دیگر. مثلا اگر لکه‌هایی روی يك شكل قرمز بود تبدیل به قارچ یا به کفش دوزک شده و غیره. و به همین ترتیب داستان تازهای از روی آن ابداع کردند، موزیک آن را هم ابداع کردند. این کلاسی است که راه به خلاقیت یافته و به نوآوری خو گرفته است. من معتقدم که در این زمینه امکانات بینهایت زیاد است.

از دوره مقدماتی سخن به میان آوردم و تمدا در مدرسه ابتدایی توقف کردم لیکن مطلقا اطمینان دارم که تماس قبلی با کتاب و با آلبوم ضروری است وجود کتابها و آلبومها در کلاسهای مادری کاملا لازم است. وقتی آدم به کلاس بچه‌ها ی خیلی کوچک یا به کلاس بچه‌های شش ساله می‌رود احساس چنان بی‌عدالتی‌هایی در زمینه تقویت فرهنگی محیط می‌کند که اگر خود مدرسه با تمام قوای خویش در رفع این تبعیض نکوشد از خود می‌پرسم که چرا اصلا چنین مدرسه‌ای وجود دارد. باری، بعضی وقتها آدم چنین احساس می‌کند که خود مدرسه این تبعیضها را تشدید می‌کند، و این بطور قطع خیانت به هدف و به غایت واقعی آن است.

### حایل برداری و گروههای قرائت

تجربه دیگری که شاید ابتکاری تر باشد ولی شکل است: ما سال گذشته سعی کردیم و امسال نیز سعی خواهیم کرد تا در مدرسه ضمیمه دانشسرای مقدماتی «سمنت اتین» اوقات قرائت را در ساعت واحدی برای همه کلاسها ترتیب بدهیم. این کار مستلزم حسن نیت زیاد و میل به کار کردن گروهی در مدرسه و نیز محتاج به نشان دادن نرمش و انعطافی عظیم در صرف وقت شخص خود می‌باشد. اینک تجربه‌ای را که سال گذشته در این زمینه داشتیم شرح می‌دهم: يك

دسته از بچه‌های کتابخوان شامل مثلا بچه‌های دوره مقدماتی که هم-اکنون می‌توانستند کتاب بخوانند و بچه‌های دوره ابتدایی که شاید در کلاس خود کتابخوانهای ضعیفی بودند کتاب کوچکی را با هم حاضر می‌کردند و آن را برای رفقای خود در دو کلاس مجتمع نمایش میدادند. کتاب یکی از آن کتاب کوچکهای نوع آلبوم‌های «بابا کاستور» برای بچه‌های خیلی کوچک یا از کتابهای کوچک موسسه OGD که قبلا از آن نام بردم یا از کتابهای بسیار ساده «مدرسه اوقات فراغت» بود. گروه مسئول قرائت و نمایش دادن آن برای رفقا بود. بچه‌ها نقشه‌ها را بین خود تقسیم می‌کردند چون این قرائت قرار بود به صدای بلند انجام بگیرد. و یا اگر لازم می‌شد خودشان نمایش را با وسایل دیگری پیش-بینی می‌کردند. يك روز بچه‌هایی را دیدیم که به ما می‌گفتند: «امروز داستانی که برای شما خوانده خواهد شد داستان سه شخصیت است، يك ماده گاو نارنجی رنگ است و يك سگ و غیره، و فکر کرده‌ایم که اگر تصویر آنها را بکشیم بهتر به فهم داستان کمک خواهد شد.» تصویر قهرمانها را کشیده بودند و آنها را روی تابلو نشان می‌دادند. ما این طرح را از کلاس مقدماتی تا کلاس دوم ابتدایی یعنی در سه سال اول مدرسه ابتدایی عملی کردیم و مشاهده نمودیم که نظر بچه‌ها را بی‌اندازه جلب می‌کند و محرك عظیمی برای ذوق و سعی ایشان به کتاب خواندن است. ما بیخودی تصمیم به این کار نگرفته بودیم، بلکه فکر کرده بودیم که ممکن است این رویه از لحاظ خارج کردن مدرسه از شکل مدرسه‌ای خود و تبدیل گاه‌گاه آن به باشگاه قرائت (قرائتخانه) جالب باشد، قرائتخانه‌ای آزادتر که همه

دایره‌وار روی زمین نشسته بودند و در آنجا ارتباط با رفقا با آنچه در خارج بود فرق داشت.

همچنین مشاهده کردیم که گروه قادر به قبول مسئولیت بچه‌ها، گروهی که بچه‌ها می‌توانستند به نحوی به آن متکی باشند، به ایشان در مسلط شدن بر حجب و کمرویی خود، در رفع معایب تلفظ و طرز ادای کلمات و در علاج گرایش به «من‌م‌کردن» زیاد کمک می‌کرد.

احساس کردیم که بچه‌ها خویشتن را در موقعیت توفیق می‌دیدند نه در وضع شکست، شکستی که اغلب وقتی تنها به نیروی خودشان وا گذاشته می‌شوند با آن مواجه می‌گردند. پیشرفت بعضی از این بچه‌ها حیرت‌آور بود. و اما راجع به شور و شوق لحظات قرائت، باور کردنی نبود: بچه‌ها اول رفتند و کتابخانه‌ی کلاس‌های دیگر را غارت کردند و این کار موجب بروز پیش-آمدی شد که من امید داشتم بشود، یعنی تیغ‌های بین کلاسها فرو ریخت. ما مخصوصا این آزمایش را با گروههای متجانس عمل کردیم، یعنی با بچه‌هایی که فکر می‌کردیم سطح قرائتشان تقریبا بهم نزدیک است. لیکن می‌توان گروههای کاملا غیر متجانسی نیز تصور کرد. و حتی به نظر ما چنین می‌رسد که این کار در جهت مفیدتر و جالب‌تری هم هست، زیرا در آن نیروی کشش بسیار عظیمی وجود دارد و این نیرو به نفع بچه‌هایی که کتابخوانهای ضعیفی هستند به کار می‌افتد.

بدیهی است در فعالیتی از این قبیل پیش فرضیه‌های زیادی وجود دارد. حسن تفاهم در داخل مدرسه، میل به کار کرن در گروه و علاقه به انجام دادن آنچه برای این امر لازم است، چون اغلب، همینکه مشاهده شود که کار گروهی شاید به معنی فدا کردن فعالیت است که قبلا به



نفع فعالیت مشترکی با معلمان دیگر در نظر گرفته شده بود، به صورت هوس زود گذری میماند. لیکن همکاری با فلان همقطار در زمینه‌ی فعالیت‌های بسیار شخصی نظیر این فعالیت و توافق حاصل کردن درباره فلان کتاب که بتوان آزمایش کرد، و تجزیه و تحلیل موفقیت‌ها و شکست‌ها به اندازه‌ای جالب است که پس از آن دیگر نمی‌توان بدان اندک احساس خفگی به لانه تنگ و محدود کلاس خود برگشت.

و نیز این تجربه ایجاب می‌کند که در کلاس نسخه‌های متعددی از یک کتاب واحد داشته باشند، که این خود مشخص کننده سیاست کتابخانه مدرسه برای خرید کتاب است، به جای اینکه یک دوره کامل از کتابهای مختلف داشته باشند برای بعضی کارها صلاح در این است که روی چهار یا پنج نسخه از کتاب واحدی کار کنند. بدیهی است چنین فعالیتی ممکن نیست به نتیجه مطلوب برسد مگر اینکه برای بچه‌ها در یک وقت معین امکان تجمع آرام و بی سر و صدا باشد و بتوانند روی نمایشی که می‌خواهند بدهند کار بکنند، ضمن اینکه رفقای دیگر - شان کارهای دیگر انجام می‌دهند، مثلاً شاید نقاشی یا باغبانی یا بررسی اسناد یا ساختن عروسک‌های خیمه شب بازی یا فعالیت‌های دیگری که آنها هم ممکن است مهم باشند. و این خود ایجاب می‌کند که در هر کلاسی گوشه‌های دنج و آرامی باشد که در آنجا پنج بچه بتوانند با هم باشند و قرائت خود را حاضر کنند و درباره آن بحث بکنند.

به هر حال این کار چند مسئله‌ای را مطرح می‌کند که از آن جمله است: مثلاً مسئله سطح کتابها. این مسئله به دو صورت عرضه می‌شود: می‌توان از خود پرسید آیا کتابهای بسیار بچگانه از طرف شنوندگان

زیاد بزرگسالی که به نمایش آن به وسیله رفقای کوچکترشان گوش خواهند داد «خیلی خیلی بچگانه» تشخیص داده نخواهند شد؟ به طور قطع، بچه‌های دوره ابتدایی که می‌توانستند از فراز سنین ۹ یا ۸ سال عمر خود به رفقای دوره مقدماتی بنگرند همیشه از برخورد مجدد با یک کتاب یا یک آلبوم که یک روز مایه لذت و سرگرمی ایشان شده بود همیشه خوشحال می‌شدند. در جهت عکس نیز مسئله مطرح است و شاید هم حساس‌تر باشد که کتاب‌های مشکل‌تر را برای بچه‌های کوچکتر به نمایش بگذارند، مثلاً کتاب «گل باقلا» که بچه‌های با استعداد دوره ابتدایی می‌توانند آن را بخوانند و شاید هم بچه‌های دوره مقدماتی، ولی متن آن برای ایشان بسیار مشکل‌تر است.

و نیز متوجه شدیم که تفکر گروه، مسایل طرح شده پس از قرائت و توضیحات داده شده به وسیله گروه کتاب خوان، موضوع قرائت را بسیار روشن می‌کرد، همچنین تصویرها که به بچه‌ها در فهم مطلب کمک می‌کردند - و اینجا بود که تصویرها همه نقش خود را بازی می‌کردند - و شاید هم به ایشان در تصحیح اندک انحرافی که در فهم موضوع کرده بودند یاری می‌داد. به نظر ما چنین آمد که قرائت به صدای بلند بالاخره ارزش ارتباطی خود را در آنجا باز می‌یافت.

باید گفت که همه این مسایل، خود ما را نیز از نظر تربیتی (پداگوژی) بسیار روشن نموده و واقع، ما مشکلاتی را پیش بینی کرده بودیم که هیچ با واقعیت جور در نیامدند، و بعضی نیز جور در آمدند، مثلاً گرایش به تصنعی بودن در بعضی بچه‌ها، متوجه شدیم که بایستی وضعیت‌ها را تغییر داد و بچه‌ها نوبه به نوبه کتابخوان باشند

و شنونده ساعی. و نیز فهمیدیم که سطوح ادعایی با سوادی و از جمله سطوح توانایی قرائت که مفروض است در فلان سن به آن برسند (پایان دوره مقدماتی، پایان دوره ابتدایی) تمایز - هایی بودند خیالی که بطور کلی اصل و اساس واقعی نداشتند. ما اگر می‌خواستیم به منتهای شرافت عمل کنیم بایستی کلاسهای خود را در بسیاری از فعالیت‌های دیگر غیر از کتابخوانی نیز باهم مخلوط کنیم. ممکن بود در آنجا کارگاه‌های خلاقیت در اطراف یک کتاب به وجود بیاید که ذوق و استعداد بچه‌های به سن و سالهای مختلف را، که تنها به خاطر علاقه مشترکشان به موضوع واحد یا به سبب کنجکاوی - شان نسبت به یک کتاب به دور هم جمع شده‌اند، به کار بیندازد. این امر ممکن بود انگیزه‌ای باشد بسیار عالیتر از آن که فقط به الگوی کلاسهای سنی تعیین می‌شود.

راجع به خود قرائت، یک نوع سابقه سنتی در مدرسه حکم می‌کند که همیشه مشکل بزرگتر هدف باشد. (بچه‌هایی هستند در مدرسه مادری که والدینشان از همین حالا در نظر دارند بعدها ایشان را به مدرسه پلیتکنیک بفرستند - نظایر این مورد زیاد است از جمله در خانواده‌های آموزگاران). به نظر من خطرناک می‌آید که نپذیرند بچه در لحظه معینی هوس خواندن کتابی را بکنند که آشکارا نسبت به سن و سال خودش بچگانه‌تر است، همچنان که برای آدمهای بزرگ اتفاق می‌افتد کتابهایی را بخوانند که به اندازه خودشان جدی نیست. به نظر من این یک اشتباه تربیتی (پداگوژی) است. چنانکه برعکس، بچه‌هایی هم هستند که کنجکاوند کتابهایی را ورق بزنند که چیزی از آن نمی‌فهمند ولی بیفایده نیست که آن کتابها را ورق زده و نخستین تماس را با آن کتابها برقرار کرده باشند.



تجربه در زمینه اجتماعی کردن بچه‌ها به نظر ما بسیار مهم جلوه کرد. متوجه شدیم که از کلاسی به کلاسی دیگر، بچه‌ها یکدیگر را با دید کاملاً نوی کشف می‌کردند (۸ تا ۹ سال) کشف می‌کردند که کوچکترها قادرند کتاب بخوانند و حتی بهتر از خودشان. ناگهان از وری این فعالیت اصالت و شرافتی نمودار شد. که به هر کدام مقامی اندک متفاوت باز داد و ضمن اینکه تیغه‌های بین کلاسها را انداخت هر چه را هم که مانع از دید واقعیت ذاتی بچه‌ها بود انداخت.

ما یک روند (ریتیم) هفتگی برای این کار برگزیده بودیم، روندی که الزاماً بهترین نیست ولی من معتقدم که باید این روند در هر مدرسه‌ای نسبتاً منظم باشد تا بچه‌ها بتوانند روی آن حساب کنند و گاه‌گاه بتوان نقشه‌هایی طرح کرد. برای بچه‌های کوچک، مهلت زمانی نسبتاً کوتاه روند سالمی است، چون اگر این مهلت زیاد طولانی باشد بچه‌ها آن حالت آمادگی‌شان را خیلی زود از دست می‌دهند.

### بیست و پنج بچه و یک رمان

در آخرین وهله می‌خواهم با شما از تجربه‌ای صحبت کنم که سال گذشته در سال دوم یک کلاس متوسط مدرسه ابتدایی عملی شد، همان کلاسی که من یک بار به آن اشاره کردم و به شما گفتم که کلاسی بود با شخصیتی قوی و دارای روح همکاری در بحث و جدل و قادر به نشان دادن ابتکارات فراوان و این خوبی را هم داشت که دوبار در «کلاس طبیعت» اقامت کرده بود.

خانم معلم این کلاس مدت‌ها بود که دلش می‌خواست برای قرائت مداوم، رمانی را که برای بچه‌ها نوشته شده باشد انتخاب کند. تقدیر چنین خواسته بود که او

کتاب «بچه و رودخانه» نوشته «هانری بوسکو» را انتخاب کند. کتاب زیبا و مشکلی است و من چون آن را در یک دبیرستان مورد استفاده قرار داده بودم فکر می‌کردم که به بچه‌های سیکل اول مدرسه متوسطه بهتر می‌خورد. از قضا خانم معلم قبلاً روی قسمتی از این کتاب اقتباسی کرده و چیزی به فرانسه نوشته بود و این قسمت مربوط به آنجای کتاب بود که بچه قهرمان کتاب چادری متعلق به کولیها را کشف می‌کند و دختر بچه‌ای را نزدیک آن چادر می‌بیند. بچه‌ها از وجود این دختر بچه که در شب تاریک در کنار آتش نشسته بوده است تحریک شده و توضیحاتی خواسته‌اند و کنجکاو شده‌اند که بینند آن بچه که بوده و این قسمت در کجای قصه است و اصلاً ماجرای خود قصه چه بوده است. خانم معلم هنوز در نشان دادن کتاب به بچه‌ها مردد بوده ولی دختر بچه‌ای از همان کلاس کتاب را سر کلاس می‌آورد. او خودش این کتاب را خوانده بوده و برای رفقاییش شرح می‌دهد که در آن موقع یعنی در آن قسمت از داستان چه می‌گذرد. با همین آغاز قرائت، حسن کنجکاو بچه‌ها نه تنها فرو نمی‌نشینند بلکه تشدید می‌شود و آن وقت خود بچه‌ها اصرار می‌کنند که همین کتاب برای قرائت انتخاب شود. ما این کتاب را قریب به سه ماه در آن کلاس که یک کلاس متوسط بیست و پنج نفره سال دوم ابتدایی بود خواندیم بی آنکه بچه‌ها یک لحظه احساس کسالت کنند یا علاقه‌شان را از دست بدهند. و شما می‌دانید که بچه‌های حالا، که اغلب بسیار هم تیزهوشند خیلی زود خسته می‌شوند.

کیفیت متن نوشته که بسیار ادبی بود امکان داشت کتاب را از جرگه مطلوب بودن خارج کند چون

بچه‌ها ممکن بود کتاب دیگری را که به زبان روزمره نزدیکتر بود و متن آسان‌تری داشت بر آن ترجیح بدهند. لیکن آنچه به این تجربه امکان داد که تا آخر با شور و شوق دنبال شود قبل از هر چیز شکلی بود که به خودکار داده شده بود. در واقع بچه‌ها به پنج گروه پنج نفره تقسیم شدند و هر گروه نمایش قسمتی از کتاب را برعهده گرفت. انتخاب قسمتها هم با خانم معلم بود که با توجه به وحدت موضوعی که در هر قسمت می‌دید تعیین می‌کرد. من فکر می‌کنم عاقلانه‌تر همین بود که از بچه‌ها نخواستند که خودشان آن قسمتها را تعیین کنند. هر یک از آن قسمتها شامل ده الی پانزده صفحه کتاب بود که بچه‌ها بایستی برای رفقایشان نمایش بدهند. خانم معلم جز در مواردی که بچه‌ها می‌خواستند، دخالت نمی‌کرد. بچه‌ها هر وقت احتیاج پیدا می‌کردند می‌آمدند و از او کمک می‌خواستند. لیکن او خودداری می‌کرد از اینکه تحمیلی به ایشان بکند مثلاً نقشه‌ها را بینشان تقسیم کند یا فلان و بهمان انتخاب را به ایشان پیشنهاد نماید، و گذاشته بود که تمام کشفیات را خودشان بکنند. بچه‌هایی بودند که خوب نمی‌خواندند تندتند می‌خواندند و قبلاً قسمت قرائت خود را خوب حاضر نکرده بودند. کلاس این بچه‌ها را به خانه‌شان برمی‌گرداند و به ایشان می‌گفت: «این قرائت که شما به ما عرضه می‌کنید مطلقاً قابل قبول نیست. این جور کتاب خواندن به هیچ چیز شباهت ندارد و نمی‌توان آن را پذیرفت. قدری بیشتر وقت صرف کنید و وقتی برگشتید دوباره برای ما بخوانید.» اینکه خود کلاس نسبت به کار جبهه بگیرد و خودش قاضی و داور کار باشد به نظر من این بهترین و عالی‌ترین آزمایش است.



من گمان می‌کردم که بچه‌ها در برابر قسمت‌های شاعرانه کتاب یادر قبایل پاساژهای توصیفی، از قبیل توصیف و تحلیل کیفیت سکوت یا شرح تمیز بودن هوا در کنار آب و در جزیره‌ای که بچه‌ها به آن پناه برده بودند، کسل می‌شوند و احم می‌کنند، لیکن با کمال تعجب دیدیم که بچه‌ها مخصوصاً از همین قسمت‌ها خیلی خوششان می‌آمد و سعی می‌کردند آنجاها را با تقسیم نقش‌های مربوطه بین خود بخوانند تا تنوع بهتر روشن‌گر محیط شاعرانه آن قسمت‌ها باشد.

قرائتهایی که با شکلک یا با نقاشی یا بطور ساده با خواندن نمایش داده می‌شد همراه با بحث و گفتگو بود چون رفقا راجع به معنی کلماتی که خوب نفهمیده بودند توضیحات می‌خواستند یا اغلب در باره انگیزه‌های قهرمانان یا عوامل اخلاقی و شخصیتی که در ضمن فلان و بهمان قسمت از کتاب تجلی می‌کرد از یکدیگر سؤال می‌نمودند. بچه‌ها از خود قرائت و از نحوه عرضه کردن آن شروع می‌کردند و از هم می‌پرسیدند که آیا لحن قرائت مناسب بود یا نه، چون بطور کلی همیشه قهرمان اجرای نقش دستپاچه‌تر از آن بود که در کتاب ظاهر شده بود. ما حتی احساس کردیم که علاقه به تملک کتاب با تمام عمق و صمیمیت آن بسیار واقعی‌تر از سؤال‌های سنتی است که همراه با قرائت می‌آیند.

دیوارهای کلاس کم‌کم از تصویرهای بزرگ پوشیده شدند برخلاف بچه‌های بزرگ که این رویه در نزد ایشان معمول نیست و ایشان بیشتر گرایش به کوچک کردن کار و به سرهم بندی دارند. این تصویرها دارای جنبه‌های بسیار متنوعی بودند: آثاری بودند گاه فردی و گاه دسته‌جمعی، چون درین مورد هم آزادی انتخاب به خودشان داده شده بود. چیزی که نظر ما را بسیار جلب کرد

این بود که تصویرها کم‌کم از حالت کلمه به کلمه بودن درمی‌آمدند، بی‌آنکه این وضع ناشی از تذکر ما بوده باشد، و نسبت به عین متن کتاب بسیار آزادتر می‌شدند. حتی از لحاظ تکنیک کار نیز تصویرهایی عرضه کردند که به سبک «امپرسیو-نیست» بسیار نزدیک‌تر بود. همه بچه‌ها هوس کرده بودند که درباره متن قصه چیز بنویسند. بعضی‌شان قسمت‌هایی را که خوانده شده بود خلاصه کردند، بعضی دیگر ماجرا-های تبعی برای آن خلق کردند، برخی نیز درباره سرنوشت قهرمانهایی که در اوایل کتاب ظاهر شده و سپس ناپدید شده بودند غصه خوردند و با تاسف از ناپدید شدن‌شان وظیفه دیگری به ایشان محول نمودند. طرق مختلفی برای پایان قصه پیشنهاد کردند و شعرهایی ساختند. این کارها همه به چاپ رسید چون در کلاس چاپخانه بود، بعد، همه آن چاپ شده‌ها را جمع کردند تا بچه‌ها بتوانند آنها را نگاه دارند.

مسلم است که همه به یک اندازه به این کار علاقه‌مند نشده بودند. بعضی از بچه‌ها از کتاب فقط قصه را گرفته بودند، قصه‌ای که سرگذشت یک بچه بود، بعضی دیگر با عمق بیشتری تأثیر پیدا کرده بودند. این هم مسلم است که از ابتدا در پی این نبودند که بچه‌ها همه به یک اندازه از آن داستان چیز بفهمند و چنین نتیجه‌ای نگرفته بودند. من مطمئنم که برای عده‌ای از بچه‌ها این قرائت جالبترین قرائتهایی نبود که در آن اوقات در مدرسه می‌کردند. شاید این کاری بود که در ژیمناستیک یا در مواد دیگر هم می‌کردند. در همان لحظه بچه‌های دیگری بودند که مشغول انجام تحقیقاتی درباره قرون وسطی بودند چون در یک ده قرون وسطایی و در یک کلاس دهاتی به سر می‌بردند و به اینجا رسیده بودند که اینجا و آنجا به دنبال اسناد و مدارک مربوط به تحقیق خود می‌گشتند،

این هم شکلی از قرائت بود که ارزشی مساوی با نوع اول داشت. این يك والاتر از آن دیگری نبود، جز اینکه لحظه‌ای بود با شکوه‌تر چون دسته‌جمعی بود. در همان کلاس، خانم معلمی اغلب اوقات روی قرائت اعلانهای کوچک کار می‌کند: یعنی بچه‌ها را وامی‌دارد که متن اعلانهای کوچک از جمله اعلانهای مربوط به روزنامه‌های بچه‌ها را به زبان ساده‌تر بازنویس کنند. این در واقع قرار دادن بچه‌ها است در برابر جنبه حرفه‌ای قرائت و در برابر قرائتی کاملاً متفاوت با قرائت کتاب «بچه و رودخانه». من همه افکار خود را روی این مسئله متمرکز نکرده‌ام ولی مهم است به آموزگاران بگویم که تا به چه حد قرائت شکل ندارد بلکه تعداد دارد: قرائت سرسری، قرائت سریع برای یافتن مطلبی که در صفحه‌ای به دنبال آن می‌گردند، قرائت بسیار فنی‌تر مانند قرائت کتاب لغت و غیره.

برای آنکه در حال حاضر بتوان به نظرات جدیدی در آموزش ابتدایی تحقق بخشید باید ذوق و شوق يك مبارزه تن فرسا داشت. بي شك يك همکاري «آموزشی - کتابخانه‌ای» قادر خواهد بود که به خارج کردن قرائت از حالت مدرسه‌ای بودن کمک کند. من چون با چند تن از کتابداران صحبت کرده‌ام می‌دانم که ایشان این گزارش را تا چه اندازه مفید می‌دانند مشروط بر اینکه در شرایط خوبی عمل شود و مشروط بر اینکه همه سوء تفاهمهایی را که ممکن است از نقش آموزگار در کلاس ناشی شود برطرف کرده باشند، چه، آموزگار نقشی در کلاس خود دارد و به طیب خاطر قبول نمی‌کند که از کار برش دارند یا شاید کسان دیگری را کمک او کنند. ولی چون آموزش دیگر و به روی اشخاص دیگر باز نکند خواهد مرد کتابداران می‌توانند در آن يك نقش اصلی بازی کنند.

ترجمه‌ی محمد قاضی



# ادبیات کودکان در شوروی



نوشته سرگئی میخالکوف  
«سرگئی میخالکوف» به سال ۱۹۱۳ در مسکو به دنیا آمد، او از نویسندگان برجسته امروز شوروی است و آثار ممتازی برای کودکان آفریده است.  
میخالکوف در چهارمین و ششمین فستیوال بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در تهران عضو هیئت داوران بین‌المللی بود.

همه‌ی سرزمین‌ها از نظر رفتار و روحیه نزدیکی‌هایی حس می‌کردند، و در تمام زندگی، این قهرمان‌ها را یار بسیار نزدیک خود می‌دانستند.

در کشور ما، مغزهای متفکر، نویسندگان و معلمان برجسته‌ی روسی مدت‌هاست که در فکر خلق داستان‌هایی در سطح بالا برای کودکان بوده‌اند. «ویسارویان پلینسکی» منتقد بزرگ شوروی در این مورد مطالب بسیاری نوشته است. «الکساندر پوشکین» بزرگترین شاعر روس، ذهنش عمیقاً به مسئله‌ی ادبیات کودکان معطوف شده بود. «لئو تولستوی»، داستان پرداز قدرتمند، استعداد و توانایی خود را در خلق آثاری برای کودکان به کار گرفت «اودویوسکی» و همچنین «چخوف» و «اوشینسکی»، معلم معروف نیز برای کودکان کتاب نوشتند.

وقتی از پیشگامان ادبیات کودکان در شوروی صحبت به میان می‌آید، اولین اسم‌هایی که به ذهن می‌رسد این هاست: «گورکی»، «مایاکوفسکی»، «مارشاک» و «چوکوفسکی».

ادبیات کودکان مثل ادبیات نوجوانان بزرگترین کوشش خود را به اصول عظیم انسان‌گرایی

که کاملاً تحت شرایط اجتماعی نوینی بزرگ شده‌اند. برای چنین خوانندگانی، که خود را در آستانه‌ی آینده‌ی درحال وقوع می‌یابند، نوع ویژه‌ی از ادبیات مورد نیاز است.

در این بین کتاب‌هایی بوده است که نسل به نسل کودکان آن‌ها را خوانده‌اند، اگرچه این‌ها برای کودکان نوشته نشده‌اند. کودکان، خود آن‌ها را از میان انبوه کارهای ادبی برگزیده‌اند، این کتاب‌ها به نوعی حس کنجکاوی آنان را ارضا کرده و اشتیاق آنان را به قهرمان‌گرایی و عدالت برانگیخته است، و در رفتار و نظرگاه آنان حس مسئولیتی را بیدار کرده است. آیا «دانیل دفو»، «روبینسون کروزوئه» را برای کودکان نوشته بود؟ آیا «سویفت» فکر این را کرده بود که روزی «گالیور» به کتابخانه‌ها و مدارس راه پیدا خواهد کرد؟ «دوما»، «سه تفنگدار» را برای کودکان ننوشته بود و «بارون موشاوزن» و «شوالیه‌ی لامانچا» به خاطر کودکان نبود که به قلب خطر می‌تاختند. ولی در وجود این قهرمانان و در این شاهکارهای ادبی جهان، کودکان

هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر تاریخی راجع به سرگذشت کره‌ی زمین، در زمان‌های قدیم و زمان فعلی و در زمان‌های آینده کتابی بنویسید. این قسمتی از نامه‌ی یک دختر مدرسه‌ی دوازده ساله است که برای مانویسندگان شوروی نوشته است. فکر می‌کنم از تمام نویسندگان کشور های دیگر نیز چنین تقاضاهایی می‌شود. صدها هزار «چرا» یی که «کیپلینگ» از آن‌ها سخن گفت پی‌درپی بر در دفتر کار نویسندگان ما، مدارس، کتابخانه‌ها، و انتشاراتی‌های ما مشت می‌کوبد. صدها هزار «چرا» و میلیون‌ها «چی» و «چه وقت» و «چگونه» و «کجا» و «کی» - به وسیله‌ی خوانندگان جوانی که ما کار ادبی خودمان را به آن‌ها اختصاص داده‌ایم، پرسیده می‌شود.

ما نویسندگان شوروی باید بدانیم که با یک مشت خواننده‌ی کنجکاو و پرسش‌گر طرف هستیم. شرایط تاریخی که در کشور ما گسترده شد، اشتیاق سرشار آنان را برای «دانستن» برانگیخته است. کودکان امروز ما شبیه کودکان پنجاه سال پیش نیستند، اینان کودکانی هستند



معطوف می‌کند و می‌خواهد نسل جوان را در شاهراه زندگی راهنمایی و یاری کند. می‌خواهیم کودکان ما همچون میهن‌پرستان واقعی دیگر کشور خودشان، پرورش یابند، همچنین به مردم سرزمین‌های دیگر و به فرهنگ آنان با دیده‌ی احترام بنگرند. می‌خواهیم کودکان ما همچون خودما، جنگ را تقبیح کنند و در راه صلح بکوشند. می‌خواهیم به کار عشق بوززند، تحصیل کنند و احساس‌های پسندیده‌ی انسانی را نظیر: عشق به انسان‌ها، احترام به بزرگترها، احترام به کارگران، درخود به‌وجود بیاورند می‌خواهیم دوستی‌هایشان بی‌ریا باشد، مورد احترام باشند و به نام ملت خود و به نام بشریت تا مرز قهرمانی پیش بروند.

خوانندگان جوان ما به ارتباط ناگسستنی کتاب با زندگی واقف هستند و به ادبیاتی که منعکس‌کننده‌ی عالی‌ترین و پاک‌ترین آمال آنان است معتقدند. تأثیری که چاپ کتاب «تیمور و دارودسته‌اش» از آرکادی گایداری از خود به جای گذاشت در تاریخ ادبیات جهان بی‌نظیر است. قهرمان داستان پسر خردسالی است که در ده‌کدی نزدیک «مسکو» زندگی می‌کند. بی‌آن که بزرگ‌ترها بدانند، گروهی را تشکیل می‌دهد تا به خانواده‌هایی که مردانشان - پدرها و یا پسرهای - بزرگ‌تر خانواده به خدمت نظام رفته‌اند، کمک کنند. آفرین بر این طرز تفکر! گروه «تیمور» از افراد مسن‌تر مراقبت می‌کنند، در خانه‌هایی که افراد شرور قصد تاخت و تاز دارند نگهبانی می‌دهند، کودکان خردسال رایاری می‌کنند. کتاب با استقبال قابل توجهی روبرو شد. میلیون‌ها

کودک در شوروی از «تیمور» که «گایداری» تصویر کرده بود، تقلید کردند و وقتی جنگ آغاز شد، گروه‌هایی را تشکیل دادند تا به خانواده‌هایی که مردانشان به جبهه‌ی جنگ رفته بودند، یاری کنند. نهضتی قدرتمند در تمام خاک شوروی گسترده - نهضتی که وطن‌پرستانه و عمیقاً انسانی بود. همه‌ی این‌ها راهمین کتاب کوچک کودکان موجب شده بود.

از کتاب‌های کلاسیک نویسندگان روس نیز نسخه‌هایی در چندین میلیون برای کودکان چاپ شده است - از «پوشکین» «تولستوی»، «نکراسوف»، از «گول»، «چخوف»، «لرمانتف»، «تورگنیف»... داستان‌های فولکلوریک روسی نیز در تیراژ وسیعی منتشر شده است و نویسندگان برجسته‌ی ما، منجمله «آلکسی تولستوی» و «میخائیل شولوخوف»، با کوشش فراوان آن‌ها را برای کودکان تنظیم و ساده کرده‌اند. از افسانه‌های مردم آسیا، افریقا، استرالیا و همچنین اسطوره‌های یونانی نیز برای کودکان کتاب‌هایی چاپ شده است. کودکان شوروی با آثار «هاوف»، «پرالت»، «هانس آندرسن»، و «برادران گریم» آشنایی کامل دارند.

بطور کلی کتاب‌های بسیاری در دسترس کودکان ما قرار می‌گیرد، کتاب‌هایی از - «مارک تواین»، «دیکنز»، «جک لندن»، «واشنگتن ایروینگ»، «ارسکین کالدول»، «ژول ورن»، «هکتور مالو»، «سروانتس»، «دفو»، «ماینه‌رید»، «لانگفلو»، «هریت بیچراستوو» و از شاعر بسیار «ماینه‌رید» و از شاعر بسیار خوب ایتالیایی «جیان‌روداری» که کودکان ما در سال‌های اخیر با آثار او آشنا شده‌اند.

کتاب‌های او حتی در تیراژهای سه میلیونی به چاپ رسیده است کودکان به این شاعر خوب عشق می‌ورزند، «ساموئل مارشاک» کتاب‌های او را به طرز بسیار زیبایی به روسی برگردانده است. نام نویسنده آگاهی مثل «ارنست همینگوی» برای کودکان شوروی نامی آشناست. حتی کتاب او به نام «پیرمرد و دریا» برای اولین بار در شوروی در ردیف کارهای کودکان به چاپ رسید و بعد از این که کودکان آن را خواندند، برای بار دوم در ردیف کتاب‌های نوجوانان چاپ شد.

نوشتن برای کودکان کار بسیار لذت‌بخشی است، البته باید زبان ساده‌ی را برای چنین نوشته‌هایی انتخاب کرد. من شخصاً افتخار می‌کنم که کتاب‌ها و نمایشنامه‌های من در یادگیری موضوعات زیادی، کودکان را یاری کرده است و افتخار می‌می‌کنم که عنوان «نویسنده‌ی آثار کودکان شوروی» را دارا هستم. جلب‌اطمینان آنان به صحت گفتار خودتان، خندانند، سرگرم کردن، اندرز دادن، آموختن مطالب خوب، بیدار کردن احساس‌ها و آرزوها در وجود نوجوانان، آری چنین مسئولیت‌های خطیری را به هر نویسنده‌ی محول نمی‌کنند. خصلت نویسندگی برای کودکان مادرزادی است نه اکتسابی. برای نویسنده‌ی کودکان چه افتخاری از این بالاتر که کتابش را در دست کودکان ببیند. کتابی که دست به دست گشته و فرسوده شده است و به خاطر این که راهش را به سوی توده‌ی مردم گشوده است حتی می‌توان مغرور شد.

ترجمه‌ی اسماعیل عباسی از ماهنامه‌ی ادبیات شوروی، مارس ۱۹۷۳



## کودک و آفرینش هنری

(قسمتی از گفتگوی مریبان نقاشی در جلسه عمومی مریبان نقاشی)

اول باید هدف از تعلیم نقاشی کودکان برای خود ما روشن باشد.

هدف برنامه بهیچوجه این نیست که از کودکان نقاشانی چون خودمان بسازیم.

هدف این برنامه از اینقرار است:

- ۱- پرکردن ایام فراغت بچه‌ها
- ۲- تقویت حس آفرینش هنری آنها
- ۳- بالا بردن ظرفیت‌های فرهنگی کودکان به ویژه در زمینه‌های زیبایی شناسی
- ۴- تقویت درک و تفکر و عادت آنها به استدلال و استنتاج

آرزوی ما اینست که روزی بتوانیم برنامه‌هایی نظیر برنامه موسسه Junior AFT Center را عملی کنیم. فعلا با حضور امکانات درک و نیازهای محیطی خودمان قسمت‌هایی از این برنامه‌ها میتواند قابل اجرا باشد. وظیفه ما مریبان نقاشی جهت دادن به تعلیم است در وهله اول.

بعنوان يك مربی، شناخت خود ما از موضوع باید روشن باشد. به راستی آفرینش هنری چیست؟ از دیدگاه روانشناسی همه کودکان دوست دارند عناصر گوناگون را تجربه کنند و چیزهایی بسازند ساختن چیزها به منزله مشارکت در ساختن جهان است و بدینسان است که کودک با اثری که آفریده است یکی می‌شود و با جهان بیرون رابطه برقرار می‌کند که مایه خشنودی اوست. واضح است که برای آفرینش هنری صدفه کاغذ و مداد رنگی و وسائل محدودی هستند و عطش او را سیراب نمی‌کنند و نباید تعجب کرد اگر او دزدکی وسعت دیوار همسایه را بجای صدفه محدود کاغذ انتخاب کند. اصولا هر نوع محدودیت از این قبیل بهر حال نادرست است. ما برآنیم که گزردست برآید برنامه‌ای را در يك اردوی تابستانی کنار دریا برگزار کنیم و وسعت ساحل را با ماسه‌ها و گوش ماهی‌هایش به بچه‌ها ببخشیم تا هرچه میخواهند بسازند. بحث درباره محدودیت مواد و ابزار کار بود محدودیت دیگری وجود دارد به نام «تعلیم هنر» اینگونه تعلیمات معمولا حس آفرینش را در بچه‌ها می‌کشد.

بچه‌ها بطور طبیعی از قدرت تخیل فراوان بر خوردارند و عواملی مانند «پرسپکتیو» و یا «آنا تومی» و دیگر قواعد آکادمیک برای آنها عوامل محدود کننده بیان و آفرینش هستند.

يك مربی دانا جهت تعلیماتش در جهت آزادی آفرینش

می‌باشد. کودکی که می‌آموزد مانند بزرگترها نقاشی کند کودکی که صدای کلفت مردانه دارد و کفشهای پدرش را می‌پوشد کودکی است که روح بازیگوش کودکانه‌اش را در گرو «آدم بزرگ» بودن از دست داده است.

يك مربی دانا این روح بازیگوش و جستجوگر را با همه تفنن‌ها و تجربه‌های آزاد در خلق آثار هنری آشنا می‌سازد بی‌آنکه او را وادار به اطاعت کورکورانه از قواعد آکادمیک کرده باشد.

البته مسئله در مورد نوجوانان فرق می‌کند زیرا در موقعیت سنی بالاتر تعلیمات ابتدائی اصول آکادمیک با ظرفیت‌های ذهنی و توانائی‌های فیزیکی دست و چشم و اراده سازگارتر است. گرچه امروزه این اصول هم به عنوان قوانین لایزال و غیرقابل تغییر مورد تردیدند. توصیه ما به شما معلمین راهنما در وهله اول يك چیز است: آزادی.

به بچه‌ها آزادی بدهید وسائل و امکانات گوناگون را در اختیارشان بگذارید تا زندگی را خودشان تجربه کنند و تخیلات کودکانه‌شان را همانطور که میخواهند و می‌توانند بازگو کنند. تنوع در برنامه نه تنها بر جذابیت کلاس می‌افزاید بلکه رسیدن به هدفها را میسر می‌سازد. پس از عبور از محدودیت صدفه کاغذ و مداد رنگی به برنامه‌های دیگری با جذابیت بیشتر مانند «کلاژ» می‌رسیم.

ساختن اشکالی احیانا با استفاده از روزنامه‌های باطله و چسب و قیچی و یا ساختن مجسمه‌های گلی و اساسا خود «گل‌بازی» که اینهمه کودکان به آن رغبت دارند و یا تجربه با نحوه‌های مختلف چاپ دستی - لیتوگرافی - کنده کاری روی چوب و لینولثوم و چاپ با استفاده از برگ درختان و چاپ به وسیله سیب - زمینی و غیره یعنی افزودن به جذابیت دروس با تنوع بخشیدن به آنها و امکان شناخت و تجربه مستقیما به عهده معلم راهنماست.

و اما درباره بالا بردن ظرفیت فرهنگی بچه‌ها و یا در مورد تقویت درک و تفکر و عادت به استدلال:

برنامه میتواند شامل این نکته باشد که آثار بزرگان هنر را به آنها نشان دهیم و از کودک بخواهیم درباره یکی از این آثار حرف بزند و سعی کند هرچه می‌فهمد برای دوستانش به زبان بیاورد.

در خاتمه چون باور داریم روش تدریس مسئله اساسی کار تعلیم است مقدماتی فراهم شده است تا با تجهیز کتابخانه‌های تهران بعنوان مراکز کارآموزی امکان تعلیم روش تدریس را به مریبان شهرستانی فراهم کنیم.

و همچنین به این امید هستیم که فیلم‌هایی در زمینه‌های تعلیم کلاژ و مجسمه‌سازی و چاپ و غیره تهیه کنیم تا راهنمای روش تدریسی برای مریبان نقاشی در کتاب - خانه‌های تهران باشد.



می‌کند و به کارادیت و ترجمه می‌پردازد، همکاریش را گرامی می‌داریم و ارج می‌نهیم.  
دیگری پرویز کلانتری است، نقاش پرآوازه و تصویرگر کتابهایی چون «کل اومد بهار اومد». کلانتری کودکان را خوب می‌شناسد، اگر به این نقاش عزیز برنخورد، سهمی از دنیای پراز صفا و صمیمیت کودکی را هم با خود تا این سالها همراه آورده است. کلانتری دنبال معصومیتها و اصالتهای فراموش شده است، یکبار نمایشگاه نقاشیش را اختصاص داده بود به نقش روستاها و بام‌های کاهکلی حاشیه کویر ایران، می‌خواست بگوید این‌جذب ورنک و نیرنگ شهریها مرا نفریفته است، در روستاهای ایران زمینه‌های بگری است که هر نقاش بیداردلی می‌تواند از آن بهره‌ها برگیرد و کلانتری پس از پنج سال کوشش و کاوش این نمایشگاه را علم کرد به جای رنگ، خاک و گل به روی بومها به چشم می‌خورد.

یکبار يك جوان سمنانی - محمدعلی بنی‌اسدی - آمده بود می‌خواست مربی نقاشی شود، در کار او گرهایی بود، تنها کاری که ما می‌توانستیم بکنیم چاپ نقاشی او در کارنامه کانون بود - پرویز کلانتری این استعداد را خوب کشف کرد دستش را گرفت حالا محمد علی بنی‌اسدی يك جوان ۱۸ ساله مربی نقاشی کتابخانه‌های تهران شده است یکروز هم از سازمان انتشارات کتابی برای نقاشی به او سپرد شاید چند وقت دیگر این کتاب با نقاشی‌های بنی‌اسدی درآید. بار اول کلانتری را در سالن کنفرانس دیدم، مربی‌های نقاشی را جمع کرده بود، آنها از مشکلاتشان می‌گفتند و کلانتری از هدفها و طرحهایش، وقتی که جلسه پایان یافت در جمع چشمها برق امید دیدم. آنها امیدوارانه سالن را ترک کردند، حاصل گفته‌های آنروز را خودش نوشته است که در این شماره کارنامه می‌خوانید.

مقدم این دو هنرمند را گرامی داریم.

غلامرضا امامی



## همکاران جدید کانون

تازگی‌ها به جمع همکاران کانون دو همکار پیوسته‌اند هر دو در کار خود آگاه و دانا و هر دو در جمع دانایان و هنرمندان منزلتی چشمگیر دارند - کار هر دو با قلم است، و هر دو هنرمند حرمت قلم را گرامی داشته‌اند، گواهِش، زندگیشان. یکی با قلم به «تحریر» می‌پردازد و دیگری کار «تصویر» را پیشه‌ی خود ساخته. نخستین محمدقاضی است، مترجم‌امین و ششپیر، نام قاضی نام آشنایی است، نزدیک ۴۰ سال است که کتابهای بسیاری را از دیگر زبانها به پارسی برگردانده و برگنجینه ادب سرزمین‌مان گنج‌ها افزوده‌ست، کارنامه کتابهایی که قاضی برگردانده تاکنون از ۳۰ عنوان می‌گذرد. قاضی برای کودکان، «شازده کوچولو» را ترجمه کرده به زبانی کودکانه، شاید کمتر کودک کتابخوان و آدم کتابدوست یافت شود که لحظاتی به جذب و شوق همراه با «شازده کوچولو» به دنیای زیبای خیال پرواز نکرده باشد. کانون، همکاری «قاضی» پیر ادب را مغتنم دانست و دو کتاب برای ترجمه به او سپرد، «ماجراجوی جوان» و «پولینا»، و قاضی در هر دو کتاب به هنرمندی توانست ترجمه‌ی دلخواه کودکان و نوجوانان فراهم آورد گویی که این دو کتاب در اصل به فارسی نگاشته شده است. قاضی بعد از ظهرها با سازمان انتشارات همکاری